



موعود پژوهی

سالنامه تخصصی

سال ششم / شماره دهم / سال ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی سنة الله العالمیه

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

انجمن علمی - پژوهشی مطالعات اسلامی

مدیر مسئول: سید امیررضا طاهایی

سرپرست: نفیسه ایرانپور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

ارینب امیری، فهیمه جهانیان، فاطمه فانی، حکیمه واعظ موسوی

معصومه وحیدی، اعظم وفاپی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

کارشناس نشریه: عطیه مرادی

ویراستار: زهرا شفیعی

صفحه بندی: ساجده تدریس حسنی

نشریه تخصصی موعود پژوهی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ به شماره ثبت ۸۴۷۱۱

مجوز انتشار از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کرد.

نشانی مجله: پردیسان، ابتدای بلوار امامت، بعد از دانشگاه پیام نور، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

کدپستی: ۳۷۱۶۶-۶۴۴۶۲

امور تحریریه: ۰۲۵-۳۷۱۸۳۱۸۰

شیوه نامه

نویسندگان ارجمند جهت ارسال مقاله به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱. مقاله دست‌آورد علمی نگارنده بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه دوفصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت.
۳. کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
۴. دفتر نشریه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
۵. نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.
۶. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم Bbadr شماره ۱۴ در محیط word حروف چینی شده باشد.
۷. چکیده لاتین مقالات حتما ارسال شود.
۸. کلیه مقالات فقط از طریق سامانه ارسال شود.
۹. مشخصات نویسندگان مقالات به طور کامل (به صورت زیر) در مقاله درج شود:
۱۰. نام و نام خانوادگی، سطح و رشته تحصیلی، رتبه علمی (استاد/ دانشیار/ استادیار/ مربی)، وابستگی سازمانی، موبایل، ایمیل شخصی.
۱۱. مشخصات کلیه نویسندگان به طور کامل در بخش نویسندگان در پورتال درج شود.
۱۲. فایل مقالات (هم فایل word و هم فایل pdf و هم فایل ضمائیم) بدون نام نویسنده یا نویسندگان باشد.
۱۳. نویسنده مسئول مقاله مشخص شود.
۱۴. استناددهی درون متنی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد.
۱۵. مقالات با موضوعات جدید و مبتلابه در اولویت بررسی و داوری قرار دارند.
۱۶. مقالاتی به داوری ارسال خواهد شد که در بررسی اولیه امتیاز لازم جهت ارسال به داوری را کسب نمایند.
۱۷. موارد مورد توجه در بررسی اولیه: هماهنگ بودن موضوع مقاله با رویکرد و هدف نشریه، روش پژوهش، کیفیت نظری مقاله، نو و بدیع بودن موضوع.

رفرنس دهی به شیوه APA

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) در انتهای متن بیان می شود؛
۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن (پاراگراف یا خط) ارجاع آورده نمی شود.
۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع، داخل پرانتز انتهای متن (انتهای پاراگراف یا خط) بیان می شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)
- تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره جلد/ شماره صفحه)
- تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه)
- تبصره: اگر کتاب دارای چند نویسنده باشد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، نام خانوادگی نویسنده دوم،، نام خانوادگی نویسنده سوم، سال انتشار).
- تبصره: اگر کتاب بیش از سه نویسنده دارد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، و دیگران، سال انتشار)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا... داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار).
- تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره جلد/شماره صفحه)
- تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره صفحه)

ج) ارجاع به منابع اینترنتی

نام خانوادگی نویسنده، سال درج متن در سایت یا تاریخ مشاهده متن از سایت

د) ارجاع به پایان نامه و رساله

(نام خانوادگی نویسنده، سال نگارش یا انتشار)

تنظیم فهرست منابع

الف) کتاب:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب. نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی. اگر نویسنده کتاب شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پراگماتر ذکر می‌شود.
- نام نویسنده (شرکتی) (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

ب) مقاله:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله. مقاله درج شده در مجموعه مقالات:
- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجموعه مقالات، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

ج) پایان نامه یا رساله:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان رساله. رشته و رتبه. دانشگاه.

د) کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت

- عنوان کتاب (نوبت چاپ) (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.

و) منابع اینترنتی:

- عنوان نویسنده، عنوان مقاله، سال درج مقاله در سایت، آدرس سایت، تاریخ مشاهده سایت.

فهرست مقالات

- انتظار مثبت و منفی در اندیشه قرآنی آیت الله خامنه‌ای علیه السلام / طاهره ماهروزاده، مصباح ریاب ۹
- بررسی ظلم و گناه در عصر ظهور / عابده بتول ۲۹
- تأثیر تمدن مهدوی بر تمدن انقلاب اسلامی / راحله امیرجان، فاطمه سفیداییان ۳۷
- تحلیل علمی چگونگی خلقت حضرت عیسی علیه السلام در قرآن از منظر علم ژنتیک / معصومه وحیدی ۵۷
- معرفی شخصیت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الیه در کلام امام رضا علیه السلام / ساجده فاطمه، نفیسه ایران پور ۶۹
- بررسی مهدویت در اندیشه مستشرقین و نقد آنها / سمیه ضیایی ۷۹

انتظار مثبت و منفی در اندیشه قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای^۱

طاهره ماهروزاده^۲، مصباح رباب^۳

چکیده

انتظار مفهومی قرآنی است که کاربست فراوانی در روایات آخرالزمان دارد. در طول تاریخ درباره تبیین چیستی، چگونگی و چندگونگی مفهوم انتظار دیدگاه‌های متعددی ظهور یافته است. مقام معظم رهبری^۴ از متفکرانی است که به مسئله انتظار و مهدویت نگاهی نظام‌مند دارد. نوشتار پیش‌رو با هدف بررسی ابعاد انتظار مثبت که همان انتظار حقیقی است در اندیشه مقام معظم رهبری^۵ با روش توصیفی-تحلیلی، خاستگاه و حیانی چنین اندیشه‌ای را بررسی و انتظار مثبت و منفی را برپایه نظام فکری ایشان ترسیم می‌کند. در ابتدا مفهوم انتظار از دیدگاه آیات و روایات و نظر امام خامنه‌ای^۶ تبیین شده است. در ادامه انواع انتظار و مؤلفه‌های تأثیرگذاری انتظار مثبت در زندگی منتظران براساس نظرات ایشان بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دعابستگی، استعجال و انتظار خنثی برداشت‌های منفی از انتظار است و انتظار حقیقی تنها انتظاری است که سه عنصر فکری، انگیزشی و رفتاری دارد. **واژگان کلیدی:** منتظر حقیقی، آموزه‌های و حیانی انتظار، انتظار مثبت، انتظار منفی، امام خامنه‌ای.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Emial: mahrozadeh@miu.ac.ir

Orcid: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۲۱۴۰-۰۸۸۵

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

اندیشه انتظار در بسیاری از جوامع بشری وجود دارد. یکی از مهمترین سرچشمه‌های تولید فرهنگ و سبک زندگی برای انسان‌ها همین تفکر است. بنابراین، شناخت انتظار صحیح اهمیت فراوانی دارد. در این راستا صحبت‌های کسی که نزدیک‌ترین فرد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نائب امام علی علیه السلام در این زمان است باید مورد توجه قرار گیرد تا معنای حقیقی انتظار به دست آید. تحقیق حاضر درصدد تبیین اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری علیه السلام درباره مفهوم حقیقی انتظار است. اصل انتظار به معنی کلی دو نوع است: انتظار مثبت و انتظار منفی. این دو انتظار درست ضد یکدیگر هستند. یکی بزرگ‌ترین عامل انحطاط و دیگری بزرگ‌ترین عامل حرکت و ارتقا است. یکی تن دادن به ذلت و توجیه وضع موجود و دیگری پیش‌رونده و آینده‌نگر است. هردو انتظار است و امکان اشتباه برداشت زیاد خواهد بود. در نگاه رهبر معظم علیه السلام، انتظار به این معنی است که «ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست. امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱).

۲. پیشینه تحقیق

در مورد انتظار و انواع آن منابع مکتوب بسیاری موجود است از جمله: مقاله مهدویت در آینه تربیت (زرقانی، ۱۳۹۹)، مقاله انتظار مطلوب، راهور تعامل عقل و احساس، نقدی بر رویکرد احساسی در مسئله مهدوی (فلاح و عوافی، ۱۳۹۸)، مقاله ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در راستای زمینه‌سازی ظهور منجی (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۷) و کتاب مبانی و اصول حکمی قرآنی انتظار از

دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (خسروپناه، ۱۳۹۹). انواع انتظار از دیدگاه قرآنی مقام معظم رهبری رحمته الله علیه به طور خاص کمتر مورد توجه قرار گرفته است که در نوشتار حاضر به آن اشاره می‌شود.

۳. مفهوم انتظار

انتظار در لغت به معنای چشم به راه بودن و نگران بودن است. (زبیدی، ۱۴۱۴، ۷/۵۳۹) در تعریف دیگر آمده است: «انتظار، حالت و کیفیت روحی است که سبب پیدایش آمادگی برای آنچه انتظار می‌رود، می‌شود و نقطه مقابل آن یأس و ناامیدی است» (معین، ۱۳۷۱، ص ۳۶۴). واژه انتظار در گفتار معمول مردم به معنای امید بهتر شدن و تحول از وضع موجود به وضع دیگر است. برای مثال، شخصی که خود و یا فرزندش بیمار است هنگام احوال‌پرسی می‌گوید: «امید و انتظار آن را دارم که بهبودی حاصل شود». بنابراین، مفهوم ساده انتظار این است که «من از وضع موجود ناراضی‌ام و امید آن را دارم که با تلاش و استفاده از امکانات این وضع عوض شود». روشن است که چنین انتظاری بدون تلاش و عمل تحقق نمی‌یابد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «انتظار یعنی، آینده‌نگری و تلاش برای دگرگونی وضع موجود و تحول آن به آینده ایده‌آل و برتر. وقتی معنای انتظار در این امور ساده چنین باشد به طور قطع، انتظار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقق حکومت جهانی او و اجرای آرمان‌های مقدسش در سراسر جهان و در ابعاد گوناگون معنای عظیم و ژرفی خواهد داشت. چنین انتظاری به معنای آماده‌باش کامل و زمینه‌سازی سیاسی، فرهنگی، علمی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی عمیق در سراسر جهان است. آری، انتظاری که مناسب انقلاب جهانی و برقراری صلح و عدالت حقیقی در همه جا به رهبری خورشید ولایت، امید همه پیامبران و امامان علیهم السلام و مستضعفان جهان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد نیاز به برنامه‌ریزی حساب‌شده و وسیع دارد» (گفت‌وگوی امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

۳-۱. انتظار در مکتب اهل بیت علیهم السلام

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب امام مهدی موجود موعود می‌فرماید: «ظهور منجی آخرالزمان، اندیشه جهانی است که بشر گرد می‌آورد. فارغ از آنچه دیگران به عنوان منجی امید بسته‌اند، امت اسلامی براساس آموزه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، مصداق منحصر منجی آخرالزمان را وجود مبارک مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند. انتظار پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با انتظار دیگران تفاوت عمیقی دارد؛ چون فرقه ناجیه در انتظار طلوع شمس موجود مستور است و دیگران منتظر ستاره معدوم. به اعتقاد راسخ ما مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی موعود موجود است، اما در پندار دیگران فقط موعود است نه موجود. تفاوت معنای انتظار در دو طیف مزبور، همان فاصله عریق است که نمی‌توان مرز آن را تهدید کرد. معنای عمیق انتظار به سنت امامان هدایت و ازسوی دیگر، مسلح بودن یا مسلح شدن به سلاح علم و ایمان برای مجاهدت در راه خداست.»

(جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴)

۳-۲. مفهوم انتظار در آیات

قرآن کریم در سوره انعام آیه ۱۵۸ می‌فرماید: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ؛ آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به‌سویشان آیند یا پروردگارت بیاید یا برخی از نشانه‌های پروردگارت بیاید، اما روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت پدید آید شخصی که قبلاً ایمان نیاورده یا در ایمانش نیکی کسب نکرده است ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت. بگو منتظر باشید! که ما هم منتظریم.»

در ذیل این آیه ابی‌بصیر از امام صادق علیه السلام حکایت می‌کند: «منظور از آن روز، روز خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن روز انتظار کشیده شده از ماست». بعد حضرت فرمود: «ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت او منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهورش از او اطاعت نمایند که اینان اولیای خدایند که هیچ ترس برایشان نیست و حزن و اندوهی نخواهند داشت» (صدوق، ۱۳۹۵؛ مولوی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۷). قرآن کریم در سوره یونس

آیه ۲۰ می‌فرماید: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ؛ و می‌گویند چرا نشانه (معجزه‌واری) از پروردگارش بر او فروفرستاده نمی‌شود، پس بگو آنچه از حس پوشیده، تنها برای خداست، پس منتظر باشید؛ زیرا من (هم) با شما از منتظرانم». یحیی بن قاسم می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام سؤال کردم درباره آیات اول سوره بقره که می‌فرماید: "الم، این کتاب هیچ تردیدی در آن نیست و مایه هدایت متقین است، کسانی که به غیب ایمان می‌آورند". امام فرمود: متقین در این آیه شیعیان علی علیه السلام هستند و غیبت همان حجت قائم غائب است و شاهد بر این مدعی آیه ۲۰ سوره یونس است که می‌فرماید: "و کافران گویند: چرا آیت و نشانه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود. پس بگو همانا غیب مخصوص خداوند است پس منتظر باشید که من نیز از منتظران هستم" (صدوق، ۱۳۹۵، ۴۰/۳۴۰).

۳-۳. مفهوم انتظار فرج از دیدگاه رهبری علیه السلام

مقام معظم رهبری علیه السلام در تعریف معنای انتظار می‌فرماید: «ترکیب مفهومی انتظار فرج از دو جزء انتظار و فرج تشکیل شده است که هریک باب وسیعی است که نیاز به تنقیح و بازشناسی مفهومی دارد. برای شناخت اولیه از این دو مفهوم، انتظار به معنی مترصد حقیقتی بودن و فرج به معنی گشایش در کار است. در انتظار فرج، حقیقتی که انسان مترصد آن است همان گشایش در امر است که توسط ولی خدا محقق خواهد شد. از این ترکیب مفهومی اصل اولیه انفتاحی بودن، عدم انسداد و پیشرفت‌گرایی اسلام را می‌توان برداشت کرد. بنابراین، انتظار نور امید است. دست روی دست گذاشتن و فقط به امید آینده نشستن، انتظاری بی‌محتواست. فرج نهایی که با ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف محقق می‌شود یکی از مصادیق و مصداق کامل فرج است». (بیانات در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷)

۴. ویژگی‌های فرج در کلام رهبری علیه السلام

حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام ذیل یکی از روایات اخلاقی فرمود: «و انتظار الفرج عباد؛ این انتظار فرج، فقط انتظار فرج به معنای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف نیست، بلکه مطلق فرج است.

نفس اینکه انسان انتظار فرج داشته باشد؛ یعنی اگر در یک شدتی قرار دارد انتظار داشته باشد که آن شدت برطرف بشود. این یعنی چه؟ یعنی اینکه شما هرگز در هیچ شرایطی نباید ناامید بشوید». (بیانات رهبری عنه، ۱۳۹۶/۲/۲۰)

۴-۱. شمول فرج نسبت به همه بشریت

«در انتظار فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئله این نیست که گشایش نسبت به کار فرد یا شیعیان حاصل شود، بلکه گشایش و فرج نسبت به تمام بشریت مورد انتظار است». (بیانات مقام معظم رهبری عنه در مراسم دانش آموختگی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۶/۲/۲۰) نگاه تمدنی آیت الله خامنه‌ای به مسئله ظهور نیز مؤید این معناست

۴-۲. تدریجی بودن حرکت طبیعی منتهی به ظهور و فرج

در نگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای فعالیت‌ها و نهضت‌های انجام گرفته پیش از ظهور برای تحقق عدالت از جمله انقلاب اسلامی، حرکتی است که با ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به نهایت خود خواهد رسید و هرکدام از این حرکات گامی است برای تحقق فرج نهایی و مؤثر در نزدیکی ظهور.

۴-۳. نزدیک شدن زمان ظهور و فرج نهایی بر اثر زمینه‌سازی‌ها

در نگاه ایشان تلاش در راه تحقق وعده ظهور، تمام حرکات مسئولین برای استقرار عدالت، اسلام و احکام اسلامی در جمهوری اسلامی، پیشرفت در کسب معرفت، صلاحیت‌ها و اصلاح جامعه، فداکاری و شهادت، تشکیل حکومت اسلامی بر اثر انقلاب اسلامی ایران و تداوم انقلاب اسلامی همگی باعث نزدیک شدن ظهور است، بلکه در صورت نبود این موارد ممکن نیست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند.

۴-۴. آغاز حرکت تکاملی انسان در دوران فرج (پس از ظهور)

تکامل بشریت در دنیا در دوران ظهور محقق می‌شود. در سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای حرکت انسان پیش از ظهور تشبیه شده است به حرکت در پیچ و خم کوه‌ها و لجن‌زارها و حرکت تکاملی انسان پس از ظهور تشبیه شده است به حرکت در بزرگراه. حیات اصلی و حقیقی

انسانیت در عهد ظهور محقق می‌شود، البته تکامل انسان در دوران پس از ظهور، امری دفعی نیست، بلکه تدریجی و با سیر مراحل تکامل است. (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۹۶/۲/۲۰)

۵. انواع انتظار در اندیشه رهبری علیه السلام

ایشان در تقسیم‌بندی مفهومی انتظار می‌فرماید: «انتظار فرج دوگونه است: انتظاری که سازنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است. نوع دیگر، انتظاری که ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده است و نوعی اباحه‌گری است. این دو نوع انتظار معلول دو نوع برداشت از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این دو نوع برداشت از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌شود». (بیانات رهبری علیه السلام در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۱۳۹۹/۱/۲۱)

۵-۱. انتظار منفی

«از انتظار و اعتقاد به اینکه نجات بخشی که اکنون غایب است خواهد آمد و عدالت را مستقر خواهد کرد و بشریت را نجات خواهد داد و حقیقت و عدل و برابری پیروز خواهد شد به صورت منفی‌اش، دشمنان عدالت و عاملین فساد و تبهکاری و کسانی که هیچ مسئولیتی در زندگیشان نمی‌شناسند و هیچ حدی شرارت و فسادشان را محدود نمی‌کند، استناد می‌کنند. به این معنی تا مردم را قانع و معتقد کنند که نجات بشر و استقرار عدالت فقط و فقط موکول به ظهور نجات‌بخش خاص غیبی است نه هیچ‌کس و کسان دیگر. اگر تو به خاطر عدالت برخاسته‌ای و یا دیگری به خاطر آزادی و نجات جامعه یا بشریتی برخاسته و تو هم دنبالش افتاده‌ای بیهوده است. یا دروغ می‌گویی که عدالت خواه و آزادی‌طلب و نجات‌بخشی یا اینکه فریب دیگران را خورده‌ای و هردو دچار یک توهم شده‌اید». (ر.ک.، سخنرانی رهبر علیه السلام در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷) بنابراین، اعتقاد به غیبت، اعتقاد به انتظار و اعتقاد به نجات‌بخش غیبی، بزرگ‌ترین سلاح برای دفاع از وضع موجود و بزرگ‌ترین عامل برای توجیه فساد است که با

یک منحنی تصاعدی روزه‌روز بالاتر می‌رود و بزرگ‌ترین عاملی است که به مردم بفهماند که باید به ظلم تن دهند و با فساد خو گیرند.

۵-۲. مفهوم انتظار مثبت و منفی در کلام رهبری

در گذشته سوءاستفاده‌های زیادی از موضوع انتظار شده است. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سالیان متمادی تلاش می‌کردند تا به مردم تزریق کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه که درمقابل ظلم و ستم و فساد و کفر و بدی و شرارت بایستیم. ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش بیاید و مشکل را حل کند. این برداشت منفی است؛ یعنی سلب مسئولیت نسبت به همه شرارت‌ها و بدی‌های موجود در جامعه. برداشت مثبت و صحیح این است که اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد، پس ما باید به سهم خود در زمینه‌سازی این دنیا کوشش کنیم» (بیانات رهبری علیه السلام برای مسئولین صدا و سیما، ۱۳۸۷/۱۱/۱۵). در سوره انبیاء آیات ۱۰۵ — ۱۰۶ در مورد وعده‌ای که خداوند به بندگان صالح و شایسته خود در مورد فرمان‌روایی آنها بر تمام جهان داده آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ ما پس از تورات در کتاب زبور چنین نوشتیم که در آینده، صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود».

مسلمانان و تمام شیعیان براساس این عقیده سازنده، ایمان راسخ دارند که حق، امری اصیل و باطل، امر عارضی است و هر عارضه‌ای دیر یا زود و سهل یا دشوار ازبین می‌رود و خواه‌ناخواه در آینده‌ای دور یا نزدیک، حق در همه جا حاکم و پیروز می‌شود و باطل و باطل‌گرایان محو و نابود می‌شوند؛ زیرا تحقق حق و عدل، سنت خدا و خواست خدا و وعده قطعی خداوند است و خداوند در وعده‌ای که به بندگان صالح خود داده است تخلف نخواهد کرد. براساس این آیه، کسانی که درحال انتظار منفی هستند، محو و نابود می‌شوند.

۵-۳. انتظار مثبت در کلام رهبری علیه السلام

مقام معظم رهبری علیه السلام انتظار مثبت را این گونه تبیین می کند: «انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کنیم. سربازی منجی بزرگی که می خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد امروز وظیفه ای نداریم نه! بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای گوشه گیری نیست. امروز اگر ما می بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد اینها همان چیزهایی است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم». (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۷۴/۱۰/۱)

۶. انواع انتظار در روایات

روایات آخرالزمان که وصف حال مردمان و وضعیت جامعه آخرالزمان را بیان می کند به صورت امیدوارکننده و با نگاه مثبت و به صورت هشداردهنده و با نگاه منفی به مسئله می پردازد. از طرفی افراد صالح از مسلمان و غیرمسلمان با افکار مثبت قرار دارند که با دیدگاه آینده نگرى مثبت با تلاش و کوشش به دنبال ظهور منجی و موعود هستند. امام باقر علیه السلام پیرامون حرکت های انقلابی و اصلاحی مردمان عصر غیبت می فرماید: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَنَلَاهُمْ شُهَدَاءَ أَمَا إِنِّي لَوَأْذَرْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ گویا مردمی را می بینم که در شرق برای طلب نمودن حق (حکومت) قیام کرده اند، ولی این حق را به آنها نمی دهند. باز آنها قیام می کنند، ولی باز نمی رسند وقتی که چنین دیدند شمشیرهای خود را حمایل می کنند و آن گاه آنچه را که می خواهند به آنها می دهند، ولی آنها نمی پذیرند تا آنکه کارشان سامان پیدا کند و این حق را به

کسی نمی‌دهند جز به صاحب شما. مقتولین آنها از جمله شهیدانند. آگاه باشید! اگر من آن روز را درک می‌کردم خود را برای صاحب الامر ذخیره می‌کردم» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۳).

در عصر غیبت و آستانه ظهور، دو حرکت متفاوت که یکی برعهده انسان‌های صالح از زن و مرد و دیگری برعهده انسان‌های ناصالح از زن و مرد در جامعه آخرالزمانی به وقوع می‌پیوندد که این دو حرکت بیانگر دو نگرش و دو فرهنگ دینی و غیردینی و اسلامی و غیراسلامی است و براساس این دو فرهنگ و دو نگرش، جامعه عصر ظهور به دونوع انسان‌های خوب و بد و دو فرهنگ دینی و غیردینی تقسیم می‌شود.

۷. آثار انتظار مثبت در زندگی منتظران بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب

۷-۱. زیست منتظرانه

اولین وظیفه مردمان عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیاده‌سازی شاخصه‌های آن در جامعه است؛ یعنی وظیفه منتظران یک بار به این است که خویشتن را در فضای انتظار و منتظران قرار دهند و وظیفه فردی و شخصی خود را براین اساس تنظیم کنند و بار دیگر در راستای مسئولیت خویش، دیگران را در فضای انتظار قرار داده و همگام و همراه با آنها به سوی جامعه ایده‌آل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حرکت کنند. منتظران علاوه بر منتظر بودن باید منتظرساز بوده و دیگران را به انتظار نزدیک کنند. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهٗ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰). رهبر انقلاب می‌فرماید: «ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است» (بیانات رهبری علیه السلام، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

براساس داده‌های روایی، اهتمام به باورداشت انتظار به حدی است که قبولی اعمال و رفتار دینی موکول به پابندی به انتظار و اجرای آن در زندگی شده است. امام صادق علیه السلام در این مورد به ابابصیر می‌فرماید: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ

شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ آیا شما را از چیزی مطلع نگردانم که خداوند عمل بندگان را جز به وسیله آن نمی پذیرد. من گفتم: بفرمایید بدانیم آن چیست، فرمود: آن گواهی دادن به یگانگی خدا و رسالت محمد ﷺ و انتظار برای ظهور قائم ماست» (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴، ص ۱۴۷). رهبر معظم انقلاب ﷺ می فرماید: «ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می درخشد هرگز تسلیم و مرعوب نمی شود و با این حرف ها از میدان خارج نمی شود. این خصوصیت، اعتقاد به معنویت مهدی ﷺ است. عقیده به امام زمان ﷺ نمی گذارد مردم تسلیم شوند به شرطی که این عقیده را درست بفهمند» (بیانات رهبری ﷺ، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

۷-۲. زیست مؤمنانه و صالحانه

مردم در عصر غیبت در راستای زندگی منتظرانه و مؤمنانه باید مزین به شاخصه ایمان و اعتقاد قلبی نسبت به خدا، معاد، رسالت، امامت و مهدویت باشند. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد» (نور: ۵۵). در این آیه خداوند وعده داده است؛ وعده ای که در آن تخلف معنا ندارد و از خدای حکیم تخلف در وعده امری محال است؛ یعنی خداوند حکیم با زنان و مردان منتظر که شاخصه ایمان و صلاحیت دارند وعده داده که وارثان و حاکمان زمین شوند.

رهبر انقلاب ﷺ در تفسیر این آیه می فرماید: «آیه "وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا" یک بار باز آنجا عمل شده، هزار بار دیگر باز قابل عمل شدن است، اما شرطش چیست. شرطش این است که این جملات اول آیه محقق شود که می فرماید: "وعدالله؛ وعده کرده است خدا!" به کی؟ "الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات؛ به آن کسانی که از شماها ایمان بیاورند و عمل شایسته و صالح کنند؛ یعنی براساس تعهدات این ایمان عمل کنند به اینها وعده داده است که "لیستخلفنهم فی الارض" که آنان را در زمین جانشین سازد». (خامنه ای، ۱۳۵۴، ص ۱۳۴) امام رضا ﷺ در راستای زیست منتظرانه و مؤمنانه می فرماید: «مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصِّدْقُ وَالصَّلَاحُ وَ

الْإِجْتِهَادَ وَادَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَطَوْلَ السُّجُودِ وَالْقِيَامَ بِاللَّيْلِ وَاجْتِنَابَ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ؛ از جمله دین ائمه علیهم السلام تقوا، پاکدامنی، راست‌گویی، صلاح، اجتهاد، رد امانت به نیکوکار و فاجر، سجده طولانی، شب‌زنده‌داری، دوری از محرمات و انتظار فرج همراه با صبر است» (صدوق، ۱۳۶۲، ۴۷۹/۲). براساس این روایت، زندگی مؤمنانه با شاخصه‌هایی مانند تقوا و خداترسی، عفت و پاکدامنی، صدق و راست‌گویی، صلاحیت و درست‌کاری، تلاش و اجتهاد، امانت و امانداری، عبادت و بندگی و دوری از محرمات و گناه تبدیل به زندگی منتظرانه می‌شود.

۷-۳. زیست عقیقانه

یکی از وظایف مهم مردم در جامعه اسلامی در عصر غیبت رعایت پوشش اسلامی و عفاف و پاکدامنی است. بحث حجاب و پاکدامنی مسئولیت همه مسلمانان از مردان و زنان است. خداوند متعال در قرآن خطاب به مردان می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ؛ به مردان باایمان بگو دیده فرونهند و پاکدامنی ورزند» (نور: ۳۰) و خطاب به زنان می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی فروبندند و پاکدامنی ورزند» (نور: ۳۱). در عصر غیبت، رعایت پوشش و عفاف برای همه باورمندان اسلامی از زن و مرد لازم و ضروری است، اما در مورد زنان سفارش بیشتری شده است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام می‌فرماید: «در مسئله پوشش؛ خب بله، مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است. آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و شرعی است. کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است هم حرام شرعی است و هم حرام سیاسی است» (بیانات رهبری علیه السلام، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵). بنابراین، حجاب به معنای پوشش اسلامی، دو بعد ایجابی و سلبی دارد. در بعد ایجابی، پوشش اسلامی ضرورت دارد و در بعد سلبی، اجتناب از خودنمایی بدنی لازم است. براین اساس، بر زنان مسلمان به‌ویژه زن زمینه‌ساز ظهور لازم است که در راستای رعایت حجاب کامل که همان حجاب اسلامی است به هردو بعد حجاب توجه کند و هردو بعد را در کنار یکدیگر به درستی پیاده کند.

براساس داده‌های روایی، شاخصه مقاومت و استواری برعهده همه منتظران از زن و مرد است. بهره‌مندی از شاخصه صبر، مقاومت و استواری است. براساس روایت‌های مختلف معصومین علیهم‌السلام در منابع حدیثی میان مقوله انتظار و شاخصه صبر و مقاومت، هم‌پوشانی و هم‌کارکردی دیده می‌شود؛ زیرا در برخی روایات، انتظار در کنار صبر و صبر همراه با انتظار آمده است که در صورت انفصال یعنی، جدایی انتظار از صبر و صبر از انتظار، بی‌خاصیتی و بی‌اثری دامن‌گیر انتظار شده و انتظار بی‌خاصیت، منتظران و جامعه منتظر را نیز بی‌خاصیت می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (اعراف: ۱۲۸). براساس این آیه، عنصر صبر و مقاومت از شاخصه‌های مهم استخلاف است؛ یعنی مستخلفین و منتظرین که در عصر غیبت و پنهان زیستی امام به‌سر می‌برند به‌دلیل فقدان رهبر و راهنما به‌طور طبیعی دچار برخی مشکلات و مصائبی خواهند بود که برای برون‌رفت از این مشکلات و مصائب علاوه بر تلاش و کوشش، چاره‌ای جز پیشه‌سازی صبر و مقاومت ندارند. این صبر و مقاومت اگرچه ابتدا با سختی و مشکلات همراه است، ولی درنهایت سرانجام نیکویی در انتظار منتظران صابر است.

تلفیق دو عنصر صبر و انتظار در احادیث معصومان علیهم‌السلام بروز و ظهور ویژه‌ای دارد. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «انْتَظِرِ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۱۴۵). امام رضا علیه‌السلام در بیانات خود عنصر صبر را بن‌مایه فرج می‌داند و زیبایی صبر را همراه با فرج دست‌یافتنی دانسته است: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتَظَرَ الْفَرَجَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ؛ چه نیکوست صبر و انتظار گشایش امور را کشیدن، پس بر شماست که صبر پیشه کنید به‌درستی که فرج، آن‌گاه می‌آید که ناامیدی فراگیر شده باشد» (صدوق، ۱۳۶۲، ۲/۶۴۵). امام صادق علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «مَنْ دِينَ الْأَيْمَةَ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّلَاحُ إِلَى قَوْلِهِ وَانْتَظَرَ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ؛ دین ائمه علیهم‌السلام تقوا، عفت و صلاح انتظار فرج همراه با صبر است» (صدوق، ۱۳۶۲، ۲/۴۷۹).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد شجاعت، مقاومت و بردباری ملت رشید ایران در مسیر رسیدن به اهداف انقلاب می‌فرماید: «ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده‌نشینان غیب در ارتباط است، ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می‌درخشد هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است». (بیانات رهبری علیه السلام، ۱۳۸۴/۶/۲۹) بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در راستای همان فرمایشات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام است که به عنصر صبر و مقاومت سفارش اکید کرده و عنصر انتظار را در کنار صبر کاربردی تر و کارکردی تر می‌داند.

۵-۷. حضور در صحنه

این وظیفه متوجه همه منتظران از زنان و مردان است. رهبر انقلاب می‌فرماید: «نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقتر و پایدارتر کند نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید می‌شود». (بیانات رهبری علیه السلام، ۱۳۸۱/۷/۳۰)

۶-۷. دین‌شناسی منتظران

هرچه معرفت و شناخت به دین بیشتر باشد معرفت به آموزه‌های دینی بیشتر می‌شود و هرچه شناخت افراد به آموزه‌های دینی بیشتر شود وظیفه شناسی به دین و امورات دینی در او بیشتر می‌شود. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیان وصف الحال علمی و معرفتی جامعه ایده‌آل مهدوی و جامعه منتظر می‌فرماید: «و تَوْتُونَ الْحُكْمَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بَكْتَابَ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ؛ در دوران آن بزرگوار و حکومت الهی آن حضرت آن چنان حکمت در جامعه گسترش خواهد یافت که یک‌زن خانه‌نشین (نه یک‌زنی که مسئولیتی در گوشه‌ای از جامعه داشته باشد) در خانه خود، یک‌زن به کتاب خدا و سنت پیغمبر حکم خواهد کرد و قضاوت خواهد کرد». آن قدر سطح فرهنگ اسلامی و دینی بالا می‌رود که همه افراد جامعه و

زنانی که در میدان اجتماع هم بر فرض شرکت نمی‌کنند و در خانه می‌نشینند آنها هم می‌توانند فقیه باشند، دین‌شناس باشند. می‌توانند قرآن را باز کنند و خودشان حقایق دین را از قرآن بفهمند و شما ببینید که در جامعه‌ای که همه مردان و زنان در سطوح مختلف، قدرت فهم دین و استنباط از کتاب الهی را دارند این جامعه چقدر نورانی است و هیچ نقطه‌ای از ظلمت در این جامعه دیگر نیست. این همه اختلاف رویه دیگر در آن جامعه معنایی ندارد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۰۸؛ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ۲۰/۲). بی‌شک جامعه‌ای که علم و دانش در آن گسترش پیدا کرده و فراگیر شود در آن جامعه آگاهی و معرفت مردم نسبت به دین و آموزه‌های دینی همه‌جانبه و فراگیرتر می‌شود.

۷-۷. تربیت نسل منتظر

یکی از کارهای مهم در مورد زمینه‌سازی ظهور، تربیت و پرورش یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که منتظران با انجام آن برای تحقق ظهور اعلان آمادگی می‌کنند. با این کار علاوه بر زمینه‌سازی و تربیت یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود نیز با آراستگی به شاخصه‌های سربازی حضرت در امر ظهور و تشکیل حکومت جهانی مشارکت می‌کنند. میان تربیت نسل منتظر که منتهی به کادرسازی برای نظام لشکری و کشوری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود با زمینه‌سازی ظهور که منتهی به رخداد ظهور می‌شود رابطه وثیق و دقیقی وجود دارد که حضرات معصومین علیهم السلام در روایات مختلفی بدان اشاره کرده‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ [لِلْإِسْلَامِ] عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّغْيِيرُ؛ هرگاه پیرامون امام به تعداد نفرات جنگ بدر که ۳۱۳ نفر است جمع شوند بر امام واجب است قیام کرده و دست به تغییر بزند» (مغربی، ۱۴۰۹، ۳۴۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴/۹۷).

واژه وجب در این روایت شاهد مثال است که با دلالت منطقی و با رویکرد تصریحی به این موضوع می‌پردازد که در صورت فراهم شدن یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که تعدادشان ۳۱۳ نفر است قیام بر حضرت واجب می‌شود تا با این قیام، جهان و جهانیان به سوی تغییر و تحول پیش رود. رهبر انقلاب در مورد تربیت انسان‌های صالح می‌فرماید: «حقیقتاً این واقعیتی است که برای

یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهمتر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند هیچ کاری نکرده است؛ زیرا دنیا بدون انسان صالح، یک‌پدیده بی‌جان و کور و تاریک است» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

۸. انتظار حقیقی از نظر مقام معظم رهبری

انتظار حقیقی، انتظاری است همراه با مهیا کردن شرایط ظهور و آن هم باید در متن جامعه و در کنار مردم صورت پذیرد. ایشان در یکی از سخنان خود با نفی برداشت‌های غلط از انتظار این‌گونه توضیح می‌دهد: «انتظار حرکت است، انتظار سکون نیست، انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار آمادگی است، انتظار فرج یعنی، کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن» (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷). قرآن کریم بر پایه آیه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» (توبه: ۳۳) غلبه اسلام بر همه ادیان دنیا را بشارت داده است. اگر قرار است چنین بشارتی در آخرالزمان با قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف عملی شود نمی‌توان نقش تمام مسلمانان را در تحقق این هدف والا نادیده گرفت. خدای سبحان پس از بیان آینده روشن انسان‌های صالح در حکومت مهدوی در آیه ۱۰۵ سوره انبیا فرمود: «لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون؛ و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد» آن وعده حق را ابلاغی برای بندگان واقعی خود دانست و فرمود: «إن فی هذا لبلغا لقوم عابدين» (انبیا: ۱۰۶)؛ زیرا مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند که باید خود را آماده کنند باید منتظر و مترصد ظهور باشند» (بیانات رهبری علیه السلام، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). انتظار حقیقی از منظر رهبر معظم مفهومی است با ابعاد و عناصر متعدد که در فرآیند انتظار اثرگذار است.

۸-۱. عناصر انتظار حقیقی

عناصر انتظار حقیقی مفهومی است با ابعاد مختلف که وجود برخی از ابعاد یا عناصر بر دیگری مقدم است و به نوعی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. آن سه عنصر عبارتند از: عنصر فکری، انگیزشی و رفتاری. بدون عنصر فکری که متقاعدکننده فرد برای عمل در هندسه نظام‌مند انتظار است، نمی‌توان شاهد وقوع عنصر رفتاری بود. آغاز عنصر رفتاری به وجود نیروی انگیزه‌دهنده‌ای وابسته است که سختی‌های انتظار را برای او آسان کند.

۸-۱-۱. عنصر فکری

آماده کردن خود و دیگران برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عملی است که با پشتوانه محکم فکری صورت می‌پذیرد. بدون وجود اعتقادی راسخ و عاری از شک و تردید نسبت به فرج مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و بدون وجود جهان بینی درست نسبت به اوضاع ستم‌دیدگان در سراسر دنیا عملی هدفمند و مبتنی بر دغدغه از انسان منتظر واقع نخواهد شد. دو لازمه تفکر مهدوی در شخص منتظر عبارتند از:

اول) اطمینان به فرج

دوران غیبت دورانی است که با امتحانات الهی و غربال‌گری‌هایی آمیخته است که حتی بسیاری از مدعیان مهدویت در آن مردود می‌شوند. (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۴) یکی از مصادیق این امتحان الهی، طولانی شدن دوران غیبت است. به دلیل همین طولانی بودن، عده‌ای از منتظران حضرت به تردید افتاده و دیگر به ظهور حضرت اطمینانی ندارند. این نکته چنان محسوس می‌شود که امام صادق علیه السلام از واقعیت تلخی پرده برداشته و فرمود: «به خدا سوگند! امام شما سال‌های سال از دیده‌ها نهان خواهد شد و شما آزمایش می‌شوید تا آنجا که گفته می‌شود او مرده یا کشته شده و معلوم نیست به کجا رفته است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۳۶/۱). چنین تردیدی دو اثر ناپسند بر فرآیند انتظار می‌گذارد. هم امید به فرج را که عنصر انگیزشی انتظار است خدشه‌دار می‌کند و هم مانع تحقق عنصر رفتاری می‌شود. در نتیجه فرد ناامید از وادی انتظار و آمادگی برای

تحقق آرمان‌های مهدوی خارج می‌شود. از این رو، مقام معظم رهبری علیه السلام امید و اطمینان به فرج را ملازم یکدیگر می‌داند (بیانات رهبری علیه السلام، ۶۸/۱۱/۲۲).

دوم) درک مشکلات مردم

امام خامنه‌ای علیه السلام شناختن گره‌های زندگی مردم را سبب انتظار فرج می‌داند و می‌فرماید: «کی انسان انتظار فرج دارد. وقتی یک فروبستگی وجود داشته باشد در زمینه وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا می‌کند به فرج». (بیانات رهبری علیه السلام، ۱۳۸۷/۷/۲۵)

۸-۱-۲. عنصر انگیزشی

هر عملی برای اینکه آغاز شود و تداوم یابد نیازمند عنصر انگیزشی است. برای انتظار نیز چنانچه عنصری رفتاری در نظر گرفته شود و انتظار بدون عمل انتظار انحرافی قلمداد شود برای ایجاد عمل متناسب با انتظار به عنصر انگیزشی نیاز است که خاصیت انرژی بخش بودن را در مسیر انتظار داشته باشد.

۸-۱-۳. عنصر رفتاری

انتظار در اندیشه رهبر معظم انقلاب علیه السلام مبتنی بر انتظار در آموزه‌های وحیانی است. هرگاه بدون عمل تصویر شود انتظاری انحرافی است و آسیب‌های متعددی به دنبال خواهد داشت. از منظر رهبری، آماده کردن خود و جامعه برای ظهور حضرت و تحقق حاکمیت امام عصر و وظیفه اصلی انسان منتظر است و اگر جامعه برای تحقق حکومت مهدوی آماده نباشد سرنوشتی مانند جوامع انبیای گذشته خواهد داشت. (بیانات رهبری علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵) آماده کردن دیگر افراد جامعه برای استقرار عدالت امری ضروری است تا امت به سرنوشتی مانند سرنوشت امت امیرالمؤمنین دچار نشوند که تحمل عدالت معصوم را نداشتند.

۹. نتیجه‌گیری

از مفهوم انتظار در طول تاریخ برداشت‌های متفاوتی شده است. این برداشت‌ها در نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام به دو برداشت مثبت و منفی تقسیم شده است. دعاب‌سندگی، استعجال و انتظار

خنثی برداشت‌های منفی است و انتظار حقیقی تنها انتظار صحیح است که سه عنصر فکری، انگیزشی و رفتاری دارد. یکی از لوازم عنصر فکری انتظار، داشتن نگاه کلان به اوضاع دنیاست که درک مشکلات مردم دنیا را به دنبال دارد؛ زیرا برپایه اندیشه رهبری نه تنها آماده کردن خود، بلکه آماده کردن همه دنیا برای تحقق حکومت مهدوی امری لازم است. نیروی امید، عنصر انگیزشی انتظار است و اصل انتظار برای شخص منتظر و تحمل دشواری‌های انتظار به وجود آن منوط است. برای ایجاد امید دو شیوه بیان برکات دولت مهدوی و احساس حضور امام در جامعه و نظارت ایشان بر جامعه از شیوه‌های مهمی است که مقام معظم رهبری علیه السلام بر آن تأکید دارد. عنصر فکری که بخشی از آن اطمینان به فرج است با عنصر انگیزشی ارتباط سببی دارد. بنابراین، بدون این اطمینان آمیدی نخواهد بود. هردو عنصر فکری و انگیزشی با عنصر رفتاری رابطه مستقیم دارد و تحقق آنها بیش از عنصر رفتاری لازم است؛ زیرا پیش از اقناع اندیشه و جهت‌دهی‌های فکری نمی‌توان آمادگی صحیح و مؤثر را پیش از ظهور شاهد بود. وجود نیروی انگیزشی است که رفتار را رقم می‌زند. خروجی اینها عنصر رفتاری است که آماده شدن برای ظهور است.

فهرست منابع

- * قرآن الکریم (۱۳۸۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن عقده کوفی، احمد (۱۴۲۴). فضائل امیر مؤمنان علیه السلام. قم: انتشارات دلیل ما.
۲. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰). زمینه‌سازی ظهور چپستی و چگونگی. نشریه مشرق موعود، ۵ (۱۹)، ۴۴-۶۲.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱). ولایت و حکومت (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام درباره ولایت و حکومت). تهران: مؤسسه جهادی مرکز صها.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). امام مهدی موجود موعود. قم: انتشارات اسراء.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۹). مبانی و اصول حکمی قرآنی انتظار از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. نشریه جامعه مهدوی، ۱۱ (۱)، ۱۳۲-۱۵۹.
۸. زرقانی، اعظم (۱۳۹۹). مهدویت در آینه تربیت. نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۶ (۲۸)، ۳۱-۵۲.
۹. سایت دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام. khamenei.ir
۱۰. صدوق، محمد (۱۴۱۳). من لایحضره فقیه. مصحح: غفاری، علی‌اکبر. قم: جامعه مدرسین.

۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۰). الغیبه. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۱۳. فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۷). ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در راستای زمینه‌سازی ظهور منجی، نشریه مشرق موعود، ۱۱(۳)، ۵-۱۲.
۱۴. فلاح، محمد جواد. و عوافی، زهرا (۱۳۹۸). انتظار مطلوب: رهاورد تعامل عقل و احساس؛ نقدی بر رویکرد - احساسی در مسئله مهدویت، نشریه مشرق موعود، شماره ۵۰، ۱۷۱-۲۰۰.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۶۹). مجموعه خطبه‌های نماز جمعه تهران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. مولوی نیا، محمد جواد (۱۳۸۹). سیمای مهدویت در قرآن. قم: انتشارات ولی عصر.
۱۹. نعمانی، محمود بن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبه. تهران: نشر صدوق.

بررسی ظلم و گناه در عصر ظهور

عابده بتول^۱

چکیده

مقاله پیش رو درصدد است تا وضعیت ارتکاب به ظلم و گناه را در عصر ظهور حضرت بقیه الله الاعظم بررسی کند. یافته های تحقیق مبتنی بر ادله و استدالات عقلی و نقلی است و ثابت می کند که بروز و صدور گناه و ظلم و ستم در دوران ظهور کاهش چشمگیری دارد. تحقیق حاضر با پرداختن به علل و عوامل چنین کاهش چشمگیری در خلال بحث مشخص می کند که عواملی مانند فراگیری عدالت حقیقی، رشد و کمال عقل و علم بشر، جاری شدن خزائن و برکات آسمانی و زمینی بر انسان ها و هدایت ولایی امام حاضر از عوامل مهم این رویداد است. روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که با روش گزینش و اهم و مهم بیان شده است.

واژگان کلیدی: انتظار، ظلم در عصر ظهور، عصر ظهور، گناه در عصر ظهور،

مهدویت.

۱. مقدمه

ریشه گناه، غلبه کردن هوای نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بیندیشد هرگز گناه نمی کند. در روایات آمده است که در زمان ظهور، عقل انسان ها کامل می شود. قال الباقر (علیه السلام): «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان می نهد و عقل های ایشان را با آن جمع می کند و خردهایشان با او کامل می شود» (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۳۳۶). پس در آن چون عقول کامل و هوای نفس تابع عقل می شود کسی به کسی ظلم

۱. دانش پژوه کارشناسی فلسفه اسلامی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

نمی‌کند اگرچه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است. انسان‌های دوران ظهور همانند انسان‌های دوران غیبت اختیار دارند. آنها خود باید نیکی را بخواهند و به آن عمل کنند تا سزاوار دریافت پاداش الهی شده و به بهشت بروند. انسان مجبور نه لایق پاداش است و نه مستحق مجازات و کیفر. اینکه سخن از اجرای عدالت فراگیر است خود نشان می‌دهد که ممکن است فردی دچار خطا و انحراف شود، ولی اگر رفتار او منجر به تجاوز به حقوق دیگران شد به سرعت عدالت درباره او اجرا شده و مجازات می‌شود. (جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶)

دوره حیات بشر از عصر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا دوران ظهور امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد: دوره غیبت امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ و دوره ظهور امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ. منظور از عصر ظهور، عصر حکومت جهانی امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ است و مراد از عصر غیبت، عصری غیر از ایام حکومت امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ را شامل می‌شود که گستره آن از دوران حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا هنگام ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ را در بر می‌گیرد. هریک از این دوران ویژگی‌های خاص خود را دارد. براساس منابع صحیح اسلامی از ویژگی‌های عصر ظهور، تکامل عقول انسان‌ها، افزایش چشمگیر علوم، تربیت صحیح دینی و اخلاقی و برچیدن نظام ظلم و فساد و بی‌عدالتی است. این دوران، دوران منحصربه‌فردی است که بشر خصوصیات و ویژگی‌های آن را تا قبل از آن به خود ندیده است، اما دوران غیبت امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ عصری بسیار سخت و دشوار و سرشار از گرفتاری‌ها و پیشامدهای ناگوار و ناگهانی است. عصری است که در آن فساد و گناه آشکارا انجام و دستورات بسیاری از احکام اسلام تعطیل شده است. به‌طورکلی دوره‌ای است که هواهای نفسانی بر انسان غلبه می‌یابد.

۲. جایگاه ظلم و گناه در عصر ظهور

براساس روایات، در دولت امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ عدالت، جهانی می‌شود و ظلم و ستم از بین می‌رود، ولی این مسئله به معنای گناه نکردن همه انسان‌ها نیست؛ زیرا در زمان ظهور هم انسان‌ها قدرت انتخاب و اختیار دارند و ممکن است برخی از انسان‌ها با تبعیت از هوای نفس دچار

معصیت شوند که در قیامت به حساب آنها رسیدگی می‌شود؛ قیامت روز حسابرسی است. اگر انسان‌های عصر ظهور گناه نکنند خداوند متعال در روز قیامت به حساب آنها می‌رسد و به آنها پاداش می‌دهد و حسابرسی به معنای مجازات مجرمان و مانند آن نیست. بنابراین، قیامت معنای خودش را دارد و اشکالی ندارد که انسان‌های موحد و مؤمن عصر ظهور نیز به فکر قیامت باشند؛ زیرا یاد قیامت، انسان‌ساز است. همان‌طور که ترس از عقوبت، مانع و موجب ترک معصیت می‌شود نیل به ثواب و پاداش هم ایجاد انگیزه و شوق می‌کند.

در عصر ظهور، انسان از معصیت دست شسته و اعمال صالح انجام می‌دهد. این تصور که به طور حتم باید گناهی باشد تا قیامت معنا داشته باشد تصور باطلی است. قیامت روزی است که هم گناهکاران به جزای عمل خود می‌رسند و هم مؤمنان پاداش رفتار خود را می‌گیرند. بنابراین، اگر در عصر ظهور همه انسان‌ها صالح باشند باز هم قیامت باید باشد تا پاداش‌های رفتارهای صالحانه خود را بگیرند. براساس مفاد آیات و روایات، عصر ظهور عصر شکوفایی علم، عصر تحقق عدالت اجتماعی، برقراری صلح و سازندگی و تکامل علم و دین و امنیت و آرامش مردم و جامعه است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز به آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد، آن را بین مردم نشر و گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌کند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۳۳۶). امام صادق علیه السلام فرمود: «اما والله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم كما یدخل الحر والقر؛ به خدا قسم! که عدالت خود را در درون خانه‌های مردم وارد می‌کند همان‌گونه که سرما و گرما داخل می‌شود» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۳۶۲). در قرآن کریم آمده است: «ما اراده کردیم بر آنان که در زمین دچار استضعاف شدند منت گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین و ملک و جاه گردانیم» (قصص: ۵). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از روزگار مگر یک روز باقی نماند خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی‌انگیزد که زمین را از عدل پر کند چنانکه از ستم پر شده باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ۴/۱۴۲). پاسخ اینکه آیا در عصر ظهور کسی گناه می‌کند این است

که تا انسان در دنیاست به سبب وجود شیطان و نفس اماره نمی‌تواند از گناه دوری کند. اگرچه می‌تواند با نفس اماره و شیطان مبارزه کند، اما بشر همواره با فتنه و معصیت روبه‌روست. بعد از وقوع قیامت و حضور مؤمن در بهشت گناهی از او سر نمی‌زند و ظلم و بدی دیده نمی‌شود، البته این لطف و منت بزرگ را خداوند بر بشر قرار داده است که روزی در دنیا شاهد آبادانی و حاکمیت عدل به دست صاحب‌العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. به دلیل حضور مستقیم حضرت حجت میان مردم، جامعه و جو عمومی متأثر شده و عدل و دادش تمام زمین را فرامی‌گیرد و مردم با یکدیگر مهربان شده با صدق و صفا زندگی می‌کنند. امنیت عمومی همه جا را فرامی‌گیرد و کسی درصدد اذیت و آزار دیگری نخواهد بود. وضع اقتصادی مردم خوب شده به گونه‌ای که مستحق زکات یافت نمی‌شود. باران‌های نافع و سودمند پی‌درپی می‌بارد، تمام زمین سبز و خرم می‌شود، توجه مردم به خدا زیاد شده و دور گناهان نمی‌گردند (صافی گلیاگانی، ۱۳۹۳، ۴/۱۴۵). اینها نوید ظهور و حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ثواب یا گناه، دائرمدار انتخاب و اختیار است و این خمیره در جوهره انسان‌ها وجود دارد، پس تا زمانی که بشر وجود دارد حسن یا سوء اختیار با او همراه است و تا زمانی که دنیا وجود دارد انسان جزئی از موجودات آن است و با اختیار خود زندگی می‌کند. وجود حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف اگرچه باعث ایجاد مدینه فاضله می‌شود و بی‌عدالتی که بزرگ‌ترین ظلم است برچیده می‌شود، اما مردم در کردار خود به اقتضای اختیاری که دارند یا راه ثواب می‌روند و یا خطاکار شده و جزو دشمنان دین و حضرت قرار می‌گیرند. عموم افراد در عصر ظهور در مراتب بالای رشد و کمال قرار می‌گیرند، اما اجر و پاداش انسان‌هایی که در دوران قبل از ظهور زندگی می‌کنند و دین خود را نگه داشته‌اند و تسلیم و سوسه‌های شیطان نشده‌اند از مردمانی که در دوران ظهور زندگی می‌کنند و زیر نظر حاکمیت عدل الهی روزگار سپری می‌کنند بیشتر و بالاتر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عبادت به همراه خوف و در دولت باطل مانند عبادت در حالت امن و دولت حق نیست. بدانید که هریک از شما که نماز فریضه را فرادا و پنهان از دشمن و در وقت بخواند خدا برای او ثواب بیست و پنج نماز واجب بنویسد و کسی که نماز مستحبی را در وقتش به درستی

بخواند خداوند برای او ثواب ده نماز مستحبی بنویسد و فردی که کار نیک و حسنه‌ای انجام دهد خداوند ثواب بیست عمل حسنه برای او بنویسد و هرکس نیکوتر انجام دهد خداوند ثواب را مضاعف می‌کند»، سپس حضرت در علت این پاداش می‌گوید: «شما صابر همراه با امام و منتظر دولت حق هستید. بر امام و بر جان‌های خود از شر حاکمان ظلم در هراسید. حق شما در دست ظالمان است و شما را از آن منع می‌کنند و شما را در تنگی و طلب معاش قرار داده‌اند درحالی‌که بر دین و عبادت و اطاعت از امام و ترس از دشمن خود صابر هستید. از این رو، خداوند اعمال شما را چند برابر می‌کند. پس بر شما گوارا باد». حضرت در پایان حدیث می‌فرماید: «به خدا سوگند که هریک از شما به این حال بمیرد نزد خداوند افضل است از بسیاری که در بدر واحد حضور داشتند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۱۲۷). یکی از رهاوردهای دوران ظهور و حکومت عادلانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آزادی انسان‌ها از بردگی و ستمگری است. بشری که در طول تاریخ ستم‌ها و ظلم‌ها، آزادی واقعی او را سلب کرده و او را به بردگی و بندگی کشیده است در آن دوران به آزادی واقعی و مشروع و دلخواه خود می‌رسد. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: «لیحل فیها ربقا و یعتق رقّا». مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سیره صالحان رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید و بردگان و ملت‌های اسیر و رنج‌دیده و ستم‌کشیده را آزاد سازد (سیدرضی، ۱۳۹۳، خطبه ۱۵۰).

۳. برجیده شدن عوامل گناه در عصر ظهور

مهمترین عامل صدور گناه از انسان طمع و حرص او به اندوختن مال دنیا و احساس نیاز انسان به متاع دنیاست. وقتی انسان به قدر کفایت از مال و ثروت بهره‌مند شود، عزت و آبروی اجتماعی بیابد، بینش او الهی شود، دنیا و متاع آن برایش بی‌ارزش شود، به یقین برسد که تمام وعده‌های الهی حق هستند و اگرچه دیگران نخواهند و نپسندند و در سر راه تحقق آن مانع بتراشند بالاخره محقق می‌شود. اگر انسان به یقین برسد که معاد و حساب و کتابی در کار است و بهشت و آنچه در آن است قابل مقایسه با عمر دنیا و آنچه در آن است نیست دیگر انگیزه‌ای برای ارتکاب گناه باقی نمی‌ماند.

در حکومت عادلانه و فراگیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موانع بی‌شماری در مسیر مرتکبان گناه قرار می‌گیرد مانند حکومت عدل فراگیر که رهایی از عدالت آن امکان ندارد، عواملی مانند محیط امن و سالم، عدم تمایل عموم مردم به پذیرش فساد و تباهی و گناه در عصر ظهور درصد ارتکاب گناه را کاهش می‌دهد. پس انگیزه ارتکاب به گناه، مفقود و مانع ارتکاب موجود می‌شود. بنابر برخی روایات و استدلال‌های مفسران برجسته، عمر ابلیس نیز با قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام می‌شود و به استناد برخی روایات، آن ملعون به دست نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بیت المقدس ذبح می‌شود و تسویلات، وسوسه‌ها و تزیین‌های او هم منقطع می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۱۴/۱۷۵)

۴. تداوم ابتلا و آزمون در عصر ظهور

براساس روایت، شیطان کشته می‌شود و مردم در زمان ظهور از شر وسوسه‌ها و فریب‌های او در امان خواهند ماند، ولی باز هم انسان حق انتخاب و اختیار دارد، پس باز هم امکان خطا و اشتباه برای او وجود دارد. نفس درونی و وسوسه‌های او انسان را رها نمی‌کند. همچنین چون دنیا محل ابتلا و امتحان است و مردم دوران ظهور نیز امتحان می‌شوند امتحان آنها در مقطع دیگر و به صورت دیگر و شاید مشکل‌تر انجام شود. برای مثال، دانش‌آموزی که در مقطع دبستان امتحان می‌دهد در حد و اندازه علمی و توان فکری از او آزمون گرفته می‌شود و وقتی به مقطع راهنمایی و دبیرستان وارد می‌شود باتوجه به رشد علمی و فکری امتحان سخت‌تری را باید پشت سر بگذارد. همین فرد وقتی وارد دانشگاه شد باز باید امتحان بدهد و حتی ممکن است امتحان او به جای ده سؤال فقط یک سؤال باشد و به او اجازه استفاده از کتب نیز داده شود، ولی روشن است که امتحان او بسیار سخت‌تر است و بخشش و ارفاق استاد نسبت به او کمتر می‌شود. اگر دانش‌آموز ابتدایی بشنود در دانشگاه چنین امتحانی می‌گیرند آن را شاید نوعی ظلم بداند و بگوید: «چگونه است من که مقدار علم کمتری دارم باید سؤالات بیشتری را آن هم به صورت حفظی پاسخ دهم، ولی دانشجو هم سؤالات کمتری دارد و هم حق استفاده از کتاب برای اوست، ولی فردی که به همه دوره‌های تحصیلی اشراف دارد درمی‌یابد که کلام این دانش‌آموز صحیح نیست».

دوران ظهور نیز چنین است هرچند امتیازات بی نظیر و بی بدیلی دارد، ولی امتحانات خاص خود را نیز دارد. قرآن کریم در مورد زنان پیامبر ﷺ می گوید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يَضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ؛ ای همسران پیامبر هرکدام از شما گناه آشکاری مرتکب شد عذاب او دو چندان است» (احزاب: ۳۰)؛ یعنی «انتساب شما به پیامبر ﷺ به شما ویژگی و امتیازی داده است که اگر تقوا پیشه کنید مانند دیگر زنان نیستید، بلکه ممتازتر هستید و اگر خطایی مرتکب شوید نیز از دیگران بیشتر در عذاب هستید». باتوجه به دو نکته مطرح شده روشن می شود که خداوند در همه حال نسبت به بندگان عدالت را مراعات می کند.

۵. اختیار گناه کردن افراد در دوران ظهور

بعد از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند قبل از ظهور اختیار باقی است و برای انسان امکان گناه کردن است و این مطلب مسلمی از نظر ادله عقلی و نقلی است.

۵-۱. ادله عقلی

-انسان موجودی است که به طور ذاتی در افعالش مختار است. این امری وجدانی است که اگر انسان در خود تأمل کند این مطلب را درک می کند. پس ویژگی اختیار در تمام دوران حیات انسان با او همراه است.

یکی از اصول دین، معاد است. انسان معتقد است که قیامت برای تمام افراد از اول هستی تا آخر حتی برای پیامبران و ائمه ع علیهم السلام ثابت است و هیچ استثنائی در بین نیست. روشن است که مسئله قیامت و ثواب و عقاب، فرع صحت تکلیف و تکلیف، متفرع بر اختیار است. خداوند نسبت به بندگان خود رحیم تر از آن است که آنها را به گناه مجبور کند و سپس آنها را کیفر دهد. پس اگر معاد برای همه است اختیار هم باید برای همه باشد.

۵-۲. ادله نقلی

خطابات در قرآن کریم یا با لفظ ناس (مردم) است مانند «یا ایها الناس» و یا با مؤمنین مانند «یا ایها الذین آمنوا». لفظ ناس شامل تمام افراد می شود و هیچ دلیلی هم بر تخصص نیست و

نسبت به خطاب «الذین آمنوا» یا افراد و انسان‌های پس از ظهور ایمان می‌آوردند که مشمول این خطابات و تکالیف هستند و یا ایمان نمی‌آورند که باز هم نشانگر اختیار و امکان گناه برای آنهاست و هیچ دلیلی بر تخصیص و خروج آن افراد از این خطابات نیست. (جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸، ص ۲۷۶)

۶. نتیجه‌گیری

مهمترین عامل صدور گناه از انسان طمع و حرص او به اندوختن مال دنیا و احساس نیاز انسان به متاع دنیاست. وقتی انسان به قدر کفایت از مال و ثروت بهره‌مند شود، عزت و آبروی اجتماعی بیابد، بینش او الهی شود، دنیا و متاع آن برایش بی‌ارزش شود و به یقین برسد که تمام وعده‌های الهی حق هستند دیگر انگیزه‌ای برای ارتکاب گناه باقی نمی‌ماند. چون در عصر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف رشد و شکوفایی فکری و عقلی بشر کامل و عدالت و امنیت جهانی می‌شود و وسوسه‌های دشمن همیشگی بشر کاهش می‌یابد زمینه‌های ارتکاب به جرم و ظلم تا حد چشمگیری کاهش می‌یابد، البته این بدان معنا نیست که هیچ ظلم و ستمی رخ نمی‌دهد، بلکه همیشه انشان مختار آزاد است تا راه درست یا غلط را پیش بگیرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
- * نهج‌البلاغه (۱۳۹۳). مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت (۱۳۸۸). آفتاب مهر. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت.
۲. صافی گلپایگانی (۱۳۹۳). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر. قم: انتشارات منیر.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۴. علیمی، محبوبه. و محمدی‌مهر، علی‌اکبر (۱۴۰۰). بررسی ویژگی‌های جامعه جهانی در عصر غیبت و عصر ظهور. نهمین همایش علمی-پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران. تهران.
۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

تأثیر تمدن مهدوی بر تمدن انقلاب اسلامی

راحله امیرجان^۱، فاطمه سفیداییان^۲

چکیده

تمدن نوین اسلامی و تمدن مهدوی دو مقوله مفهومی است که هریک مختصات و ویژگی‌های خاص خود را از منظر متفکران این دو حوزه مفهومی دارد. پژوهش پیش‌رو با هدف کشف تأثیر تمدن مهدوی بر تمدن نوین انقلاب اسلامی بانام تأثیر تمدن مهدویت بر تمدن انقلاب اسلامی انجام شد. مسئله اصلی پژوهش حاضر چگونگی تأثیرگذاری تمدن مهدوی و اثرگیری تمدن انقلاب اسلامی از آن است که با روش تطبیقی و براساس مقایسه شعارها، شاخص‌ها و نسبت بین تمدن مهدوی و تمدن انقلاب اسلامی دیدگاه امامین انقلاب یعنی، امام خمینی رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری دامت‌الله انجام شد. تشابهات زیادی از جمله شباهت شعارها، شاخص‌ها، اهداف و فرضیه‌های نسبت‌سنجی بین این دو تمدن مانند همسانی مطلق و همسانی غایت‌شناختی بر محور رابطه طولی و امتدادی که همان همسانی غایت‌شناختی است، بین این دو تمدن وجود دارد.

واژگان کلیدی: تمدن مهدوی، تمدن نوین اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله علیه، امام خامنه‌ای، شاخصه‌های تمدن مهدوی، مهدویت.

۱. مقدمه

تحقق تمدن نوین اسلام در قالب افق غایی امت اسلام و آرمان اسلامی حرکت تکاملی انقلاب اسلامی ایران و بستری مناسبی برای زمینه‌سازی ظهور و شکل‌گیری دولت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در وهله نخست مبتنی بر درک روشن و فهم صحیح حقیقت تمدن، سازه‌های

۱. دانش‌پژوه کارشناسی فقه تربیتی، از کشور افغانستان، مدرسه عالی بنت‌المصطفی، جامعه‌المصطفی العالمیه، اصفهان، ایران.

۲. استاد همکار، سطح چهار فقه و اصول گرایش فقه خانواده، مدرسه عالی بنت‌المصطفی، جامعه‌المصطفی العالمیه، اصفهان، ایران.

تمدن نوین و عناصر تمدن ساز است. سؤال اینجاست که تمدن نوین اسلامی چیست، عناصر سازنده آن کدام است و چگونه تمدن مهدوی بر آن تأثیر کرده است. عبارت تمدن نوین اسلامی و نظریه تشکیل آن در قالب اهداف انقلاب اسلامی نخستین بار توسط مقام معظم رهبری علیه السلام در اواخر دهه هفتاد مطرح شد و ایشان در ادامه در اواخر دهه هشتاد فرایند تشکیل آن را مطرح کرد. معظم له به طور دقیق ابعاد تمدن نوین اسلامی و بایسته های وصول به آن را مطرح کرد. ازنظر ایشان شروع و محور این مسیر انقلاب اسلامی در ایران است که با طی یک فرایند پنج مرحله ای (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه و امت اسلامی، تمدن نوین اسلامی) در نهایت به یک تمدن فراگیر اسلامی در جهان و به ویژه در جهان اسلامی منتهی شد. براساس آموزه های دین اسلام و تأکید معصومان علیهم السلام در آخر الزمان یک حکومت توحیدی توسط فرزندی از سلاله رسول الله صلی الله علیه و آله با نام مهدی عجل الله تعالی فرجه برپا می شود که براساس داده نقلی، ویژگی های یک تمدن تمام عیار جهانی را دارد. پژوهش حاضر باروش تطبیقی ابتدا شعارها و فرضیه های این دو تمدن را بررسی و به دنبال آن، دیدگاه صاحب نظران انقلاب یعنی، امام خمینی رحمته الله علیه و رهبری علیه السلام در مورد مشابهت بین این دو را مطرح می کند. در آخر، داده های نقلی و روایی در امکان تأثیرگذاری تمدن مهدوی بر تمدن انقلاب اسلامی کار گرفته شده است و از تحلیل و تطبیق این داده، فرضیه های ارائه شده بررسی و نتیجه نهایی حاصل شده است.

۲. مفهوم شناسی

تمدن واژه ای عربی از ریشه مُدُن است. معنای متبادر این واژه، پذیرش مدنیت، شهرنشینی، خوگرفتن به آداب و اخلاق شهریان، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است. براساس نظر ویل دورانت تمدن به شکل کلی آن عبارت از: نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان می یابد. در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارتند از: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و

نامنی پایان پذیرفته باشد. (ویل دورانت، ۱۳۶۵، ص ۱۳) شهید مطهری تمدن را به معنای پیشروی و ترقی در علوم، معارف، صنایع و نظامات تحلیل و تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۳۵۰). باتوجه به این نکته باید گفت مفسران مباحث پیرامون تمدنی بشری را ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره مطرح می‌کنند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۲۱۳).

مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب را به حق فروفرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. خدای متعال برای تأمین تمدن واقعی انسان قانون کامل و همه‌سונگر، برای اصلاح و رشد بشریت فرستاده است. در کنار این قوانین آسمانی، مجریان الهی به نام پیامبران را نیز فرستاد تا هم در فهم و تفسیر قانون دچار اشکال نشوند و هم در مرحله اجرای آن، گرفتار هوا و هوس و طمع و تهدید نشوند. از دیدگاه قرآن، تمدن برپایه تدین و مذهب، تمدن واقعی و حقیقی است که در سایه آن تمام استعدادهای جسمانی و روحانی، مادی و معنوی افراد جامعه رشد و توسعه یافته و به کمال و سعادت می‌رسد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۳۰-۱۱۵) بنابراین، تمدن درسه حوزه ارزش‌ها، پیشنهادها و رفتارها شکل می‌گیرد و عوامل شکل‌دهنده آن، دین و اخلاق، دولت و امنیت، هنر و هویت، همبستگی اجتماعی، علم و آموزش، عدالت، فقرزدایی اقتصادی و اراده قوی و خودباوری است. تمدن باید چهار نظام داشته باشد:

- نظام‌سازی سیاسی: بنیان یک نظام سیاسی و اجتماعی و تعیین الگوی تنظیم روابط میان افراد جامعه و نهادهای اساسی و راهبرد مطلوب برای حفظ سلامت و امنیت جامعه.

- نظام‌سازی فرهنگی: مجموعه عناصر فکری و فرهنگی با ارتباط معین که در تعادل پویا و اثربخش براساس راهبرد مطلوب سازمان یافته و زیر نظر مدیریت واحد راهبردی مثل الگوی اعتقادی، الگوی اخلاقی، الگوی آموزش، تولید فکر و گفتمان در برابر گفتمان رقیب است.

-نظام‌سازی اجتماعی: مجموعه‌ای از عناصر اجتماعی با روابط معین است که در تعادل پویا و اثربخش سازمان یافته با مدیریت واحد اداره شوند مثل خانواده و با آن، جمعیت، نیروی دانش، تخصص و کار تأمین می‌شود.

- نظام‌سازی اقتصادی: مجموعه‌ای از عناصر اقتصادی با روابط معین است که در تعادلی پویا و اثربخش براساس راهبردهای مطلوب اقتصادی سازمان می‌یابد.

۳. مهدویت

مهدویت مصدر جعلی مهدی و عبارت است از: اعتقاد به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت عدل به دست آن حضرت. تمام مسائل مربوط به آن حضرت با این عنوان ارائه می‌شود. مهدویت، اعتقاد به پدید آمدن حکومت عدل همگانی توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. استفاده از واژه مهدی به معنای منجی و نجات‌بخش براساس احادیث نبوی است: «الْمَهْدِي مِنْ وَلَدِي، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّي، وَاللُّونُ لَوْنُ عَرَبِي، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ يَمْلِكُ عَشْرِينَ سَنَةً؛ مهدی مردی از اولاد من است. رنگ بدن او رنگ نژاد عرب و اندامش مانند اندام بنی اسرائیل است. در گونه راست وی خالی است که چون ستاره تابناکی بدرخشد. زمین را پر از عدل کند چنان که پر از ظلم شده باشد. ساکنان زمین و آسمان و پرندگان هوا در خلافت وی خشنود خواهند بود. او بیست سال حکومت می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱/۸۱).

۳-۱. مهدویت در قرآن

مسئله مهدویت به صراحت در قرآن نیامده است، اما در کتاب معجم احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محققین برخی آیات قرآن کریم را مرتبط به موضوع مهدویت دانسته‌اند. (کورانی، ۱۴۱۱، ۵/۸۱) مفسران شیعه دو دسته از آیات قرآن را برای مسئله مهدویت استفاده می‌کنند.

۳-۱-۱. آیاتی که بر ضرورت وجود امام تأکید دارد: در دیدگاه قرآن، خداوند برای هر امتی فردی را انتخاب کرده است تا آنها را هدایت کند: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ و برای هر جامعه راهنمایی

هست» (رعد: ۷). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است، هدایت می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵/۲۳).

۳-۱-۲. آیاتی که بشارت به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین می‌دهد، مانند سوره انبیا آیه ۱۰۵ و سوره قصص آیه ۵. در روایات زیادی این آیات را به مسئله ظهور و مهدویت نسبت داده‌اند. در آیه‌ای دیگر، خداوند حکومت و جانشینی مؤمنان و صالحان را وعده الهی بر بندگان مؤمن می‌داند و امنیت و آرامش را مژده می‌دهد (ر.ک.، نور: ۵۵). روایات صادر شده از امامان شیعه این آیه را بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب او منطبق کرده‌اند (فرزی، ۱۳۸۵، ص ۳۴). در ویژگی‌های عصر غیبت، قرآن کریم درباره مقام و منزلت منتظران در عصر غیبت (ر.ک.، بقره: ۱-۳)، صبر و ارتباط قلبی (ر.ک.، آل عمران: ۲۰۰)، اطاعت محض (ر.ک.، نساء: ۵۹)، امتحانات بسیار دشوار آنها (ر.ک.، بقره: ۱۵۵)، شرایط سخت زندگی منتظران (ر.ک.، یوسف: ۱۱۰) و پاداش بر این دشواری‌ها را بیان می‌کند (ر.ک.، نساء: ۶۹). قرآن در آیه ۴۶ سوره ابراهیم به توطئه‌هایی اشاره می‌کند که به هدف تضعیف اعتقادات مردم انجام می‌شود. امام صادق علیه السلام در حدیثی این آیه را به تلاش دشمنان در عصر غیبت برای زائل کردن اعتقاد مردم به مسئله مهدویت تفسیر کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۲۳۵). مسئله اختلاف مردم درباره اعتقاد به مهدویت (ر.ک.، شوری: ۱۸)، سرگردانی مردم در تشخیص حق (ر.ک.، یونس: ۵)، قساوت دل‌ها (ر.ک.، حدید: ۱۶) و انکار و تکذیب امام زمان در عصر غیبت (ر.ک.، فرقان: ۱۱) ثابت نمی‌ماند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و نسبت به اهل بیت علیهم السلام تسلیم باشد. این از موضوعاتی است که مفسران از شیعه به آیات مختلفی در قرآن کریم استناد می‌کنند.

نشانه‌های ظهور هم موضوعی است که مفسران به آن اشاره می‌کنند. کشتار بی سابقه مردم (ر.ک.، مریم: ۳)، کشته شدن کسانی که در حق پیامبر و عترت او مرتکب ظلمی شده‌اند (ر.ک.، اسرا: ۴-۶) و نزول عذاب در عصر غیبت به دلیل امتحان و عذاب گنهکاران و مؤاخذه آنها (ر.ک.، فصلت: ۱۶). روایات شیعه در موضوع مهدویت بسیار زیاد و گسترده است (دخیل، ۱۴۲۲،

ص ۶۶). راویان مختلف بیش از شش هزار حدیث درباره مهدویت روایت کرده‌اند. موضوعاتی که این روایات بررسی کرده‌اند شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۰/۵۱)، شخصیت منتظران وی (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۶۳)، ارزش و فضیلت انتظار فرج (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۶/۵۲)، نشانه‌های ظهور (الشیخ طبرسی، ۱۴۱۷، ۲۸۰/۲)، حوادث هنگام ظهور (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۲/۲) و جهان پس از ظهور (فیروزآبادی، ۱۴۲۴، ۴۱۱/۳) است.

۳-۲. تمدن مهدوی

موعود باوری به معنای اعتقاد به یک نجات بخش است که در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. منجی موعود و نجات بخش در نزد اقوام و ملل مختلف با آیین‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به اشکال و صور گوناگون و متنوعی مطرح شده است، اما جملگی در یک نکته اتفاق نظر دارند که نجات بخشی خواهد آمد و آنها را از یوغ بندگی ستمکاران و حاکمان زورگو رها کرده و جامعه‌ای پر از عدل و داد به وجود خواهد آورد.

۳-۳. شاخصه‌های تمدن مهدوی

در عصر ظهور علم به معنای واقعی و حقیقی در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت. در منابع روایی از حضرت امام باقر علیه السلام در مورد رشد و کمال عقول مردم و پیشرفت عقلی این چنین نقل شده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دست محبتش را به سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن به کمال می‌رساند و بلوغ فکری آنان رشد یافته و تکمیل می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۵/۱). در روایت دیگری از امام علی علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: «مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ، وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ علیه السلام يَخْتِمُهُ؛ هیچ علمی نیست جز آنکه من آن را می‌گشایم و هیچ رازی نیست جز اینکه قائم آن را به نهایتش می‌رساند» (احمدی میانجی، ۱۳۸۵، ۱۲۷/۲).

۳-۳-۱. انقلاب شگرف فرهنگی و اخلاقی

فرهنگ و تمدن‌های مادی و لیبرال تنها به دنبال شکوفایی و اهداف حیات مادی بوده و مظاهر مادی و دنیوی برای آنها اهمیت دارد و دغدغه درجه یک آنها رسیدن به رفاه مادی است. این درحالی است که در فرهنگ و تمدن مهدوی رفاه واقعی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ رفاهی که به تمام ابعاد وجودی انسان پاسخ مثبت می‌دهد.

۳-۳-۲. فرهنگ‌سازی جامع

بیشتر اقدامات حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. محققان و مهدوی‌پژوهان بر این باورند در این برهه از تمدن نوین اسلامی جوامع انسانی به عمق زشتی و مفساد اخلاقی و رذایل اخلاقی پی می‌برند و همین علم و معرفت به باطن رذایل اخلاقی عامل بازدارنده از ناپاکی‌های اخلاقی در جامعه می‌شود به‌طوری‌که فضایل اخلاقی را در سطح گسترده‌ای در جهان نهادینه می‌کند. (سلیمیان، ۱۳۸۶، ۴/۱۴۶)

۳-۳-۳. شکوفایی فطرت و سرشت انسانی

محققان چگونگی شکوفایی این قسم از علم و معارف فطری را در عصر ظهور چنین تبیین کرده‌اند: «اگر انسان تحت پرورش درست قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنیت ابلیس نشود توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق‌العاده‌ای پیدا خواهد کرد. این اصل مسلم و رکن پایدار اندیشه مهدویت و از سازوکارهای مهم پرورشی برای نجات انسان از اسارت مادیات و خواهش‌های نفسانی محض و رساندن او به اوج طهارت و قدسی بودن است». (سلیمیان، ۱۳۸۶، ۴/۱۴۷)

۳-۳-۴. ترویج و تثبیت ارزش‌های اخلاقی

فرهنگ و تمدن مهدوی اوج شکوفایی و تثبیت فضایل و مکارم اخلاقی است. براساس آیات قرآن کریم وارثان زمین انسان‌های پاک و صالح هستند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در زبور بعد از ذکر تورات نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد» (انبیاء: ۱۰۵) زمانی که ساکنان زمین را صالحان عالم درگیرند،

قاعدتاً این چنین دنیایی سرتاسر نیکی و فضایل اخلاقی خواهد بود، عدالت به معنای واقعی آن گسترش خواهد یافت و در این چنین جهانی کسی به دیگری ظلمی نخواهد کرد. امیرمؤمنان علیه السلام در یک مجلس چهارصد نکته به یارانش آموخت که به صلاح دین و دنیای مسلمان است، فرمود: «و اگر قائم ما قیام کند آسمان، بارانش را فرومی فرستد و زمین، گیاهش را بیرون می آورد و دشمنی از دل های بندگان می رود و درندگان و چارپایان با هم در صلح و صفایند تا آنجا که زن از عراق تا شام می رود و پایش را جز روی سبزه نمی نهد و زینتش بر سرش است و نه درنده ای او را می ترساند و نه او از آن می ترسد» (صدوق، ۱۳۷۷).

۳-۴. تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه است و دو بخش اصلی دارد.

۳-۴-۱. بخش ابزاری

بخش ابزاری عبارت از ارزش هایی است که امروز در قالب پیشرفت کشور مطرح می شود مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است و وسیله است.

۳-۴-۲. بخش حقیقی

بخش حقیقی چیزهایی است که متن زندگی را تشکیل می دهد و همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است مانند مسئله خانواده، سیاست، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس و... اینها بخش های اصلی تمدن و متن زندگی انسان است.

۳-۵. عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی

۳-۵-۱. عوامل باطنی تمدن نوین اسلامی

اول ایمان و مکتب

رفتار و حرکات انسان در اجتماع و روش زندگی او تابع تفسیر او از زندگی است. هدف زندگی، هدفی است که انسان برای زندگی معین می کند. به طور طبیعی متناسب با هر انسان یک روش

زندگی به او پیشنهاد می‌شود. نقطه اصلی در این روش و سبک زندگی ایمان است. ایمان به یک اصل. چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «جامعه بدون آرمان [مکتب و ایمان] ممکن است به ثروت و قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد تازه وارد مرحله حیوانیت می‌شود و یک حیوان سیر و قدرتمند می‌شود و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است. تمدن نوین اسلامی این را نمی‌خواهد» (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

دوم) رهبری

از عوامل مهم برای تحقق تمدن نوین اسلامی، رهبری است. رهبری شجاع، فقیه، مؤمن و عادل. چه کسی مدیریت کلان یا سیاست را برعهده بگیرد. ایجاد دگرگونی نیاز به قهرمان و رهبر و توان بالای مدیریتی دارد. جامعه به رهبری ایثارگر و برخورداری از نیروی فکری و توان روحی که توانایی تسلط بر جامعه‌ای که می‌خواهد آن را دگرگون کند از نظر معنوی نیازی اساسی دارد. این موضوعی بسیار واضح است و در طول تاریخ، جوامع از این امر مستثنی نبوده‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «لازم است یک رهبری، یک فرماندهی، یک قدرت متمرکز در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که این قدرت بداند از شما چه برمی‌آید، از من چه برمی‌آید، از انسان‌های دیگر چه برمی‌آید» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۰).

سوم) شرایط و مقتضیات

مقتضیات و شرایط، مربوط به فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَهُ مَعَقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» (رعد: ۱۱). امکانات و توانایی‌ها نیز به خواست و اراده مردمی ارتباط دارد. به‌طور کلی، پیروزی هر فعالیت اجتماعی به یک سلسله شرایط و موقعیت‌های عینی و خارجی بستگی دارد. بنابراین، نمی‌توان تحقق تمدن را به عواملی مانند مشیت الهی یا تصادف، بخت و اقبال و... نسبت داد؛ زیرا اینها برخلاف سنت‌های الهی و نافی اراده انسان است، البته اگر مشیت پروردگار تعلق بگیرد، می‌تواند

فضای مناسب و آمادگی اجتماعی را هم به طور اعجاز‌آمیزی خلق کند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «حکومت اسلامی و تمدن نوین اسلامی بهترین وسیله برای دخالت مردم در اداره امور است. در حکومت اسلامی، حرکت اصلی به دوش مردم و تابع اختیار آنهاست» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

۳-۵-۲. عوامل ظاهری

تمدن نوین اسلامی با سه محور استوار می‌شود که عبارت است از: محور اول، فصل مشترک بین کارگزاران و مردم است که عبارت مدارا، وفق و سازش برای آن انتخاب خوبی است؛ یعنی مسئولان نسبت به مردم و مردم نسبت به مسئولان نظام اسلامی، روحیه مداراگونه داشته باشند. محور دوم، وظیفه مسئولان نظام اسلامی است که عدالت است و باید نسبت به مردم رعایت کنند. محور سوم، وظیفه مردم است که با سنت‌های غلط و خرافی مبارزه سرسختانه کنند.

عدالت محوری، ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جوامع و پیدایش و شکوفایی تمدن‌هاست. به همین دلیل، قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح کرده و برای تحقق همه جانبه و حقیقی آن در زندگی جوامع، تمدن‌ها و نظام‌ها، سخت تلاش می‌کند و در مورد ظلم و ستم، انحراف، انحصار، استبداد، فتنه، تباهی و دین‌گریزی سخت هشدار می‌دهد.

مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه که از جمله این سنت‌ها که در قرآن با آن و امثال آن مبارزه شد حمی و استثثار بوده که به نفع جمعی و به ضرر گروهی دیگر از مردم است. این سنت که در زمان جاهلیت مرسوم و متداول بود بسیاری از امتیازات را به طبقه ثروتمند جامعه در آن زمان می‌داد و دیگران از حقوق اقتصادی، مالی و... خود محروم می‌ماندند. از این رو، گفته می‌شود که این سنت‌های غلط اجتماعی، مانعی برای عدم تأمین رفاه مطلوب است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «درمقابل استثثار در جامعه انقلابی ما، کلمه انحصارطلبی را فرهنگ امروزی می‌توان گذاشت و اگر بخواهیم معنا کنیم استثثار را و بشکافیم نقطه مقابل ایشار است. ایشار یعنی، دیگران را بر خود ترجیح دادن. استثثار یعنی،

خود را بر دیگران ترجیح دادن. این ترجیح دادن خود، این انحصارطلبی به طور عام در بیشتر ما یا همه وجود دارد. منتهی اسلام و ادیان الهی با تربیت‌هایی که می‌کنند به انسان تعلیم می‌دهند که این صفت را در خود سرکوب کند و تسلیم میل طبیعی خود به منحصر کردن همه خوبی‌ها برای خود و در انحصار گرفتن لذت‌ها و کام‌جویی‌ها به این میل طبیعی نشود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵).

۳-۶. مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی

۳-۶-۱. نگرش توحیدی

عنصر وحدت‌بخش توحید با القای نگرش «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) جامعه اسلامی را هدایت می‌کند و همه اقوام و ملل مختلف را زیر لوای وحدانیت گرد می‌آورد و پیوند عمیقی میان آنها ایجاد می‌کند. انسان پلی میان ملک و ملکوت و واسطه و ابزاری است که مشیت خداوند با آن در این جهان تحقق و تبلور می‌یابد. ولایت به معنای یک نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم است و تنها فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود. (بیانات، ۱۳۶۵) ولایت به معنای حاکمیت و سرپرستی دیگران است به این دلیل همه انسان‌ها در خلقت برابر هستند. اصل این است که کسی بر دیگری حق فرمانروایی ندارد و هیچ‌کس بالذات، حق تصرف در نفوس و اموال دیگران را ندارد. مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «در اسلام سرپرستی جامعه متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان‌های دیگر را برعهده بگیرد. این حق مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها بلکه، مالک امور همه ذرات عالم وجود است. خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاص اعمال می‌کند. در این جامعه باید از هر نوع طاغوتی اجتناب کرد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

۳-۶-۲. کرامت انسانی

یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی حفظ کرامت انسانی است. دلیل این مدعا سخن خداوند متعال در قرآن کریم است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰). این آیه بدین معناست که: کرامت، شرافت و بزرگواری را در سرشت او قرار دادیم و کرامت و عزت جزئی از سرشت انسان است. بنابراین، کرامت نزاهت از پستی و فرومایگی است. پیامبر ﷺ فرمود: «ان الله تعالى كريم يحب الكرم؛ همانا خدای متعال، کریم است و کرامت را دوست دارد» (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ۵۱۴/۱۱). امام خمینی رحمته الله علیه تأکید دارد که اسلام به انسانیت انسان ارج می‌گذارد. ایشان با اشاره به عدم تفاوت زن و مرد در کرامت می‌گویند زن‌ها نیز مقام کرامت دارند و همه آنها صاحب اختیار هستند همان‌طور که مردها اختیار دارند. خداوند همه انسان‌ها را بدون درنظر گرفتن جنسیت با کرامت و آزاد خلق کرده است (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۹، ۴۶۸/۶).

۳-۶-۳. عدالت‌گستری

امام علی علیه السلام در تعریف عدالت می‌فرماید: «عدالت یعنی، هر چیز در سرجای خود قرار بگیرد». در جای دیگر می‌فرماید: «عدل، رعایت کردن استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه که امکان وجود دارد، است» و «من صاحب الناس بالذی يحب ان يصاحبه كان عدال؛ هر که با مردم چنان رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند عادل است». (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ۳۵۰۰/۷)

۳-۶-۴. آزادی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بنده دیگری نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است». (شریف رضی، ۱۳۸۶، نامه ۳۱) از دیدگاه اسلام آزادی و دموکراسی براساس آن چیزی است که تکامل انسان ایجاب می‌کند؛ یعنی آزادی ناشی از میل افراد و تمایلات آنها و دموکراسی در اسلام یعنی، انسانیت رها شده، حال آنکه این واژه در قاموس غرب یعنی، حیوانیت رها شده (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳). آزادی راه و روشی برای رسیدن به مقصد است؛ زیرا هدف انسان این نیست که آزاد

باشد، ولی انسان باید آزاد باشد تا به کمالات خود برسد (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۳۴۷). امام خمینی رحمته الله علیه آزادی را یکی از نعمت‌های الهی می‌داند. ایشان همواره آزادی را مربوط به فطرت انسان و یکی از علل انحطاط مسلمین را در برخی از اعصار، نبودن آزادی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۸/۱۲۰).

۳-۶-۵. توجه به علم و معرفت

شاخص دیگر تمدن اسلامی توجه بنیادین به علم و دانش است. این اهمیت با نخستین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده مبرهن می‌شود. یکی از معیارهای برتری در جامعه اسلامی علم و معرفت است؛ زیرا خداوند در قرآن کریم در کنار تقوا، جهاد و ایمان صاحبان علم را رفعت درجه داده است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱). با توجه به نگاه دین به علم مشخص می‌شود که دین برترین جایگاه را به علم و معرفت اختصاص داده است. در تمدن نوین اسلامی، تحصیل علم عبادت است؛ مقام معظم رهبری درباره اهمیت علم می‌فرماید: «یک ملت با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند. با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: "العلم سلطان؛ علم اقتدار است." سلطان یعنی، اقتدار، قدرت. "العلم سلطان من وجده صال و من لم يجده صيل عليه". علم اقتدار است. هرکس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند، می‌تواند غلبه پیدا کند. هرکسی که این اقتدار را به دست نیاورد دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند به او تحکم می‌کنند» (بیانات، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

۳-۶-۶. دشمن ستیزی و استقلال طلبی

یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی دشمن ستیزی و استقلال طلبی است. امام خمینی رحمته الله علیه و رهبر معظم انقلاب از رهبران دینی هستند که با تکیه بر آموزه‌های اسلامی سعی در احیای مقاومت در برابر استکبار داشته و استبداد را درک، برنامه‌ریزی و اجرا کرده‌اند. امام

خمینی رحمۃ اللہ علیہ ادبیات پایداری اسلام را در مقابل استبداد داخلی و خارجی که به فراموشی سپرده شده بود، احیا کرد. مقام معظم رهبری علیه السلام در تعریف استقامت می‌فرماید: «استقامت یعنی، راه را گم نکردن، فریب جلوه‌های مادی را نخوردن، اسیر هوای نفس نشدن، دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و آداب اسلامی را رها نکردن و به لذت طلبی و عشرت طلبی رویاوردن. اینها اساس کار است» (بیانات، ۹۱/۱۰/۱۹). بنابراین، با استقامت و مقاومت است که پرچم تمدن اسلامی برافراشته می‌شود و عدالت، کرامت انسانی، آزادی، عزت و غرور به معنای واقعی کلمه محقق می‌شود و این وعده الهی است.

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ می‌فرماید: «بزرگان اسلام ما در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاری‌ها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین است برای تحمل هرگونه ناملازمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع کنیم و جلو اغرات و مطامع آنها را بگیریم». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۱۲۸/۱۰)

۳-۶-۷. عزت

از خصوصیات که اسلام برای یک جامعه پویا و سرافراز ترسیم کرده عزت ملی است. قرآن کریم در آیه هشتم سوره منافقون، عزت را از آن خدا، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم و مؤمنان می‌داند و می‌فرماید: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ». عزت ملی یعنی اینکه در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است. یک ملت وقتی به درون خود، به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث خود، به موجودیت انسانی و فکری خود نگاه می‌کند احساس غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت ضروری است (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۲)، البته باید توجه داشت که عزت امری فطری است و عزت حقیقی از آن خداست.

۳-۶-۸. سبک زندگی

مقام معظم رهبری علیه السلام با اشاره به پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف، بخش اصلی و نرم‌افزاری پیشرفت را معطوف به موضوع سبک زندگی کرده و فرمود: «اصل قضیه درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است». (بیانات، ۹۱/۷/۲۴)

۴. فرضیه‌ها در نسبت بین تمدن نوین اسلامی و تمدن مهدوی

۴-۱. همسانی مطلق

تمدن نوین اسلامی همان تمدن مهدوی است. با رسیدن به تمدن نوین اسلامی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می‌شود و این دو در اصل یکی است و تمدن حقیقی اسلام همان تمدن عصر ظهور است.

۴-۲. همسانی غایت‌شناختی

فرضیه دیگر آنکه رابطه بین این دو رابطه طولی است. این فرایند تمدن نوین اسلامی که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام مطرح شده مقدمه شکل‌گیری تمدن مهدوی است و نقش تمهیدی برای تمدن مهدوی دارد. نکته دیگر آنکه براساس این نظر، این رابطه طولی و مقدماتی، رابطه‌ای امتدادی است؛ یعنی این تمدن نوین، بدون واسطه و انقطاع به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی شده و به تمدن مهدوی متصل می‌شود و تمدن مهدوی مکمل تمدن نوین اسلامی است. از این رو، غایت هر دو تمدن یکی خواهد بود. از منظر مقام معظم رهبری فرایند تمدن نوین اسلامی ادامه مسیر انقلاب است. تمدن نوین اسلامی هدف نهایی انقلاب است. (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲۳/۷/۱۳۹۱)

۵. بررسی رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

پس از انقلاب اسلامی از شیوه‌های طرح و تقویت نظام مهدوی ایجاد پیوند میان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انقلابی که در چهارچوب مهدویت رخ می‌دهد نباید دورکننده ظهور باشد که در این صورت در تضاد با دیگر مفاهیم مهدوی قرار می‌گیرد.

این حکومت باید نزدیک‌کننده و زمینه‌ساز ظهور باشد تا از این راه با دیگر باورها و رسالت‌های منتظران عصر غیبت انسجام یابد؛ زیرا از این راه، مشروعیت دینی و فلسفه وجودی خود را نیز تقویت می‌کند. (پرهیزگار، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸) برای فهم این رابطه توجه به شاخص‌های هردو تمدن و استخراج دیدگاه‌های امامین انقلاب و استناد به داده‌های روایی کمک شایانی می‌کند.

۵-۱. شباهت شعارها، شاخص‌ها و اهداف

انقلاب اسلامی با شعارهایی مانند تشکیل حکومت دینی و حاکمیت اسلام، بازگشت معنویت، حمایت از مستضعفان و دفاع از مظلومان عالم، عدالت و رفع محرومیت، ظلم‌ستیزی و مقابله با مستکبران در هر جای عالم پدیدار شد و به پیروزی رسید. این انقلاب پیوسته در تلاش برای تحقق اهداف و شعارهای در حرکت است و در همه آنها روند روبه‌رشدی داشت هرچند در برخی حرکت کندتر و در برخی پیشروتر بود، اما در یک‌نگاه کلی حرکت انقلاب در زمینه پایبندی و عمل به شعارهای خود حرکتی روبه‌جلو است. از این رو، این شعارها بیانگر شاخص‌های انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا نشان‌دهنده و متمایزکننده آن با سایر قیام‌ها و انقلاب‌ها هستند. (مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰)

این شباهت‌ها، نزدیکی شعارها و اهداف، پیشروان، صاحب‌نظران و دوستداران این انقلاب را بدان واداشت که ارتباط تنگاتنگی بین انقلاب اسلام و نهضت حضرت مهدی علیه‌السلام وجود دارد. مقام معظم رهبری علیه‌السلام در زمینه نزدیکی شعارها می‌فرماید: «شعارهایی که امام زمان علیه‌السلام بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد امروز شعارهای مردم ماست، شعارهای یک‌کشور و یک‌دولت است» (مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۲۲/۸/۱۳۷۹). ایشان پیام و شعار انقلاب اسلامی را همان پیام انقلاب مهدوی می‌داند (مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۱۷/۱۰/۱۳۷۱) «و این شعارها یک‌روز تحقق پیدا خواهد کرد. آن روز، روز ظهور امام زمان علیه‌السلام است» (مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۲/۸/۱۳۷۹).

۵-۲. دیدگاه امامین انقلاب درباره رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

توجه به نگاه آینده‌نگرانه امام خمینی رحمته‌الله علیه و پیش‌بینی‌ها مبتنی بر نگاه توحیدی و عارفانه ایشان درباره آینده انقلاب بسیار مهم و کارگشاست. از این رهگذر می‌توان تاحدی به کشف و استنباط نسبت بین انقلاب اسلامی و تمدن مهدوی دست یافت.

۵-۲-۱. نظر امام خمینی رحمته‌الله علیه درباره رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

در بیانات و مکتوبات امام خمینی رحمته‌الله علیه بارها و بارها و به‌طور مکرر چه به‌طور کنایه و چه تصریحی به وجود نسبت و رابطه بین انقلاب اسلامی و ظهور و قیام حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف اشاره شده است. ازمنظر امام خمینی رحمته‌الله علیه اجتماع قلوب مردم و پیروزی انقلاب اسلامی عنایت ویژه الهی است که یکی از علائم ظهور بقیه‌الله عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۳۱/۱۶) نکته دیگر آنکه علاوه بر پیش‌بینی‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه در مورد آینده‌ساز دانستن انقلاب اسلامی برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف برنامه عملی امام خمینی رحمته‌الله علیه در حکومت اسلامی، آینده‌سازی و ساختن آینده برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است. ایشان پیوسته توصیه می‌کرد «وظیفه ما این است که باید مقدمات ظهور را فراهم کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۷/۱۶). ازمنظر امام خمینی رحمته‌الله علیه این موضوع یک تکلیف است که به‌ویژه با ایجاد انقلاب اسلامی ضرورت یافته است. در تفکر ایشان مسئولی که توجهی به آینده‌سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ندارد، خائن است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۰۷). پس در نظریه امام خمینی رحمته‌الله علیه هم این انقلاب، آینده‌ساز تمدن مهدوی است و هم به لزوم مقدمه‌سازی و ساختن آینده برای ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف تأکید دارد.

۵-۲-۲. نظر مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای مد ظله العالی درباره رابطه انقلاب اسلامی با مهدویت

شعارهای انقلاب همان شعارهای امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است. ازاین‌رو، ازمنظر ایشان مشابَهت‌هایی بین انقلاب اسلامی و انقلاب مهدوی وجود دارد. در بحث ارتباط باید گفت که مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن مهدوی را وعده حتمی خداوند به بشریت می‌داند. ایشان وقوع انقلاب اسلامی را علامتی بر تحقق این وعده می‌داند و در فرازی از بیاناتش در این باره می‌فرماید: «نشانه این وعده

تخلف ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۹/۱۷). ازمنظر ایشان، غایت و هدف نهایی انقلاب اسلامی همان تشکیل تمدن مهدوی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۹/۴/۶). در دیدگاه ایشان انقلاب اسلامی مقدمه و گام بزرگی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب به صراحت می‌فرماید: «هدف از انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی همان آمادگی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). همچنین در بیانات ایشان به طور مکرر زمینه‌سازی برای ظهور از وظایف است. ایشان در این باره نیز می‌فرماید: «شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد. جامعه می‌تواند پذیرای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد که در آن آمادگی و قابلیت داشته باشد و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

۶. نتیجه‌گیری

براساس سنجش شعارها، شاخص‌ها و اهداف، شباهت‌های بسیاری بین تمدن مهدوی و انقلاب اسلامی وجود دارد. بسیاری از شعارهای زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان شعارهای انقلاب اسلامی است که مشابهت‌های بسیاری با هم دارد. براساس دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری علیه السلام، زمینه‌ساز ظهور حق در گستره گیتی و حاکمیت الگوی توحیدی، امت و امامت معصوم است. تلاش در تمام حوزه‌های مطرح این بحث زمینه‌سازی برای ظهور حضرت است. با بررسی شعارها و شاخص‌ها، اهداف دیدگاه‌ها و نظریه رهبران انقلاب اسلامی و فرضیه همسانی غایت‌شناختی و وجود ارتباط طولی و امتدادی غیرمنقطع بین انقلاب اسلامی و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قوت می‌گیرد و امکان قطعی بودن آن تقویت می‌شود. باتوجه به این جمع‌بندی در تحلیل‌های فرضیه‌ها می‌توان گفت که فرضیه وجود رابطه طولی و امتدادی بین این دو تمدن، نسبت به سایر فرضیه‌ها قوی‌تر است و دلالت‌ها و شواهد، اثبات آن را تقویت می‌کند؛ یعنی آن تمدن نوینی اسلامی در انتها به تمدن مهدوی ختم شده و اكمال تمدن نوین اسلامی همان تمدن مهدوی است. پس انقلاب اسلامی ایران مقدمه ظهور حضرت ولی‌الله اعظم

است و به فضل الهی این انقلاب ادامه پیدا خواهد کرد تا به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد و تمدن باشکوه مهدوی را برپا کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مکارم شیرازی، ناصر. قم: نشر مطالعات اسلامی.
- * نهج البلاغه (۱۳۸۶). شریف رضی. مترجم: انصاریان، حسین. تهران: پیام آزادی.
۱. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۵). مکاتیب الائمه علیهم السلام قم: مؤسسه دارالحدیث.
۲. پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۹). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱). بیانات معظم له در محفل انس با قرآن. پایگاه اطلاع رسانی مقام رهبری به آدرس www.leader.ir.
۶. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات رهبری معظم انقلاب در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی. پایگاه اطلاع رسانی مقام رهبری به آدرس www.leader.ir.
۷. دورانت، ویل (۱۳۶۵). تاریخ تمدن (مشرق زمین: گاهواره تمدن). مترجم: آرام، احمد. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۸. دخیل، علی محمد علی (۱۴۲۲). الامام المهدی. قم: دارالمرتضی.
۹. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۶). درس نامه مهدویت. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۰. العیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی. محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۱. فرزی خراسانی، محمد علی (۱۳۸۵). امید سبز. تهران: دارالحسین.
۱۲. فیروزآبادی، سید مرتضی (۱۴۲۴). فضائل الخمسه من الصحاح الستة. بیروت: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۳. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۴). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۴. کرمی فریدونی، علی (۱۳۸۵). ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن. قم: انتشارات نسیم انتظار.
۱۵. الکووانی العاملی، علی (۱۴۱۱). معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷). خصال. تهران: انتشارات کتابچی.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۹۲). مشکاه الانوار فی غرر الاخبار. تهران: دارالانقلاب.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). میزان الحکمه. تهران: انتشارات دارالحدیث.
۲۴. وبسایت مقام معظم رهبری به آدرس: www.khamenei.ir.

تحلیل علمی چگونگی خلقت حضرت عیسی علیه السلام در قرآن از منظر علم ژنتیک

معصومه وحیدی^۱

چکیده

شبهه طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و همراهی حضرت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام با ایشان از شبهات پرتکراری است که بررسی علمی در راستای پاسخ‌گویی به این نوع شبهات ضروری به نظر می‌رسد. مقاله پیش‌رو اولین اقدامات مبنایی بوده و درصدد اثبات ولادت حضرت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام با تطبیق شریعت و یافته‌های علمی دنیاست. از آنجا که منشأ مادی به وجود آمدن یک انسان براساس روال معمول و طبیعی آن توسط یک زن و یک مرد است برای عده‌ای این ذهنیت به وجود آمده که تولد حضرت عیسی علیه السلام خارج از قانون طبیعت صورت گرفته است درحالی که هیچ چیزی حتی معجزات الهی نمی‌تواند خارج از قواعد کلی و قوانین طبیعت اتفاق افتد. پژوهش حاضر درصدد اثبات این است که تولد آن حضرت در چارچوب قوانین طبیعی، اما نه به شکل معمول و عادی آن صورت گرفته است. نص صریح قرآن دلالت دارد بر اینکه حضرت عیسی علیه السلام از مادری باکره و بدون پدر به اذن و اراده الهی و با قدرت کلمه «کن فیکون» خدا متولد شده است. نتیجه مطالعات علم ژنتیک اثبات می‌کند که این تولد با اسباب غیرعادی، اما به صورت طبیعی و در چارچوب نظام تکوین صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: ژنتیک، تفسیر المیزان، حضرت عیسی علیه السلام، مهدویت، ولادت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام.

۱. دانش‌پژوه دکتری اندیشه معاصر مسلمین به زبان انگلیسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

نام حضرت عیسیٰ علیه السلام در گفتمان مهدویت، واژه‌ای کلیدی است و ایشان در عصر ظهور همراه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید. بنابراین، شبهه چگونگی خلقت و تولد ایشان بررسی می‌شود. نص صریح قرآن دلالت دارد بر اینکه حضرت عیسیٰ علیه السلام از مادری باکره و بدون پدر متولد شده است. حال آنکه برای تولد هر انسانی نیاز به یک زن و مرد است. تحقیقات ژنتیکی نشان می‌دهد که انسان می‌تواند بدون وجود پدر و فقط از مادر به دنیا آید که بنابر نص صریح قرآن به اذن و اراده الهی و کلمه «کن فیکون» خدا صورت می‌پذیرد. برای به دست آوردن چگونگی خلقت حضرت عیسیٰ علیه السلام در قرآن از تفسیر المیزان که دقیق‌ترین و بهترین تفسیر تا به امروز است استفاده شده است. تحقیق حاضر در صدد اثبات امکان خلق حضرت عیسیٰ علیه السلام آن‌گونه که قرآن توصیف کرده از منظر علم ژنتیک است. همچنین چگونگی این تولد خاص تا حدودی از منظر این علم به صورت احتمالی و با نام فرضیه بررسی می‌شود. سؤال اینجاست که علم ژنتیک درباره خلقت حضرت عیسیٰ علیه السلام بدون پدر و آن‌گونه که قرآن خبر داده است چه توجیهی دارد. تفسیر المیزان درباره شیوه خاص تکوین و خلق حضرت عیسیٰ علیه السلام چه می‌گوید. تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام به اراده الهی و با اسبابی غیرعادی صورت گرفته که ممکن است مانند دیگر موضوعات و اعجازهای علمی قرآن با پیشرفت علوم روشن شود.

۲. پیشینه تحقیق

در این باره تحقیقاتی صورت گرفته است از جمله: مقاله تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام از مادر باکره (مرکز پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۱) و مسیح عیسی بن مریم رسول الله می‌آید (نوشته محمدرضا طباطبایی، ۱۳۸۷)، مروری بر مبانی علم ژنتیک در قرآن کریم (حسین قاسم‌نژاد، ۱۳۸۸) که به طور مستقل این موضوع را بررسی نکرده است، اما ژنتیک انسانی را به صورت اشاره و در موضوعات دیگر قرآن ذکر کرده است. در تعدادی از کتب عربی و فارسی که در زمینه تفسیر و

اعجاز علمی قرآن است فقط موضوعات پزشکی و ژنتیک گیاهی مثل زوجیت گیاهان و مباحث مربوط به جنین یافت شد. در کتب جنین‌شناسی قرآن نیز این موضوع یافت نشد.

۳. مفهوم‌شناسی

خداوند متعال همه موجودات را زوج آفریده و از این راه بقای موجودات را تثبیت کرده است چنان‌که در قرآن نیز ذکر شده است. در عالم طبیعت که مسخر خدا و تحت قوانین الهی است نمونه‌هایی غیرعادی از خلقت بشر مشاهده می‌شود که در قرآن نیز آمده است مانند تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون هیچ پدری. این موضوع که قابل بررسی در علم ژنتیک است بشر را بیش از پیش به سمت تفاسیر علمی و میان‌رشته‌ای قرآن سوق می‌دهد؛ زیرا از این راه هم به اسرار طبیعت پی می‌برد و هم اعجاز علمی قرآن واکاوی و اثبات می‌شود.

۱-۳. زکی

زکی، هر چیز پر نمو و شایسته و بته‌دار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۴/۱۳)

۲-۳. مس بشر

به قرینه اینکه درمقابل زنا^۱ قرار گرفته کنایه از نکاح است و این در ذات خود اعم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۱/۱۴)

۳-۳. ژن‌شناسی یا ژنتیک

ژنتیک بخشی از دانش زیست‌شناسی است که به وراثت و تفاوت‌های جانداران می‌پردازد. با قوانین و مفاهیم موجود در این علم می‌توان به همانندی یا ناهمانندی دو اندامگان نسبت به یکدیگر پی برد و دانست که چگونه و چرا چنین همانندی یا ناهمانندی در داخل جامعه گیاهی و یا جامعه جانوری به‌وجود آمده است. دانش ژن‌شناسی، دانش جابجایی داده‌های زیستی از

۱. در آیه شریفه با تعبیر «بغیا» آمده است.



یک‌یاخته به یاخته‌ای دیگر و یا از پدر و مادر به نوزاد و نسل‌های آینده است. ژن‌شناسی با چگونگی این جابجایی‌ها که باعث نشانگان‌ها، دگرگونی‌ها و همانندی‌ها در اندامگان‌ها است سروکار دارد. دانش ژن‌شناسی، سرشت فیزیکی و شیمیایی این داده‌ها نیز بررسی می‌کند. (بی‌نا، ۲۰۲۴)

۴. معنی‌شناسی آیات خلقت حضرت عیسی علیه السلام

قرآن کریم بشارت فرزنددار شدن را در دو ماجرای مشابه مربوط به پیامبران الهی که امکان آن وجود نداشت به دو صورت بیان کرده است: بشارت ملائکه به فرزنددار شدن حضرت زکریا که با تعبیر «فعل» آمده است: «قَالَ رَبِّ اَنِّیْ یَکُوْنُ لِیْ غُلَامٌ وَ قَدْ بَلَغَنِی الْکِبَرُ وَ اِمْرَاَتِیْ عَاقِرٌ قَالَ کَذٰلِکَ اللّٰهُ یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ» (آل عمران: ۴۰) و بشارت ملائکه به فرزنددار شدن حضرت مریم علیها السلام که با تعبیر «خلق» آمده است: «قَالَتْ رَبِّ اَنِّیْ یَکُوْنُ لِیْ وَلَدٌ وَ لَمْ یَمَسَّ سِنِیْ بِشَرٍّ قَالَ کَذٰلِکَ اللّٰهُ یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ اِذَا قَضٰی اَمْرًا فَاِنَّمَا یَقُوْلُ لَهُ کُنْ فَاَیْکُوْنُ» (آل عمران: ۴۲ و ۴۵ و ۴۷).

چرا با وجود تشابه دو ماجرا دو پاسخ متفاوت در کار است؛ زیرا در ماجرای حضرت زکریا عوامل طبیعی برای پیدایش فرزند وجود داشت و فقط موانعی بر سر این امر در کار بود. تکوین نوع بشر به طور طبیعی از پدر و مادر است و هر انسانی به طور طبیعی باید پدر و مادر داشته باشد. در این مورد هم حضرت یحیی پدر و مادر داشت، ولی حضرت زکریا پیر و همسرش نازا بود. بنابراین، موانعی بر سر راه این مسیر طبیعی در کار بود. در این مورد - کبر سن و عاقر - تعبیر «فعل» مناسب است نه «خلق». در این مورد خدا در جریان طبیعی خلقت، کاری را انجام می‌دهد و موانع را از میان برمی‌دارد. «فعل» بعد انجام کار را در کانون توجه قرار می‌دهد. در ماجرای تولد حضرت عیسی علیه السلام روال طبیعی تکوین در کار نیست. خدا در این مورد خلق می‌کند نه اینکه در جریان طبیعی آفرینش دست می‌برد و موانع را از میان برمی‌دارد. در نتیجه، تعبیر مناسب با این بافت، «خلق» است نه «فعل». «خلق» به شیوه ایجاد امر موردنظر اشاره دارد (قائمی‌نیا، ۱۴۰۲، ص ۱۹۴).

۵. تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام در تفسیر المیزان

قرآن جاودانه و جهانی است و مخاطبان آن به وسعت تاریخ بشریت است. بنابراین، باید ترتیب فعلی آن مدنظر قرار گیرد نه ترتیب نزول آن. از همین رو، آیات سوره آل عمران با آنکه بعد از سوره مریم نازل شده‌اند ابتدا بررسی می‌شود؛ زیرا در ترتیب فعلی قرآن بر سوره مریم مقدم شده است. در تفسیر المیزان ذیل آیات تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام نکات ذیل آمده است:

کَلِمَة: خود عیسیٰ علیه السلام است؛ زیرا عیسی کلمه ایجاد است یعنی، مصداق کلمه «کن» و اگر خصوص عیسی علیه السلام را کلمه خوانده با اینکه هر انسانی و بلکه هر موجودی مصداقی از کلمه «کن» تکوینی است برای این بود که ولادت سایر افراد براساس مجرای اسباب عادی و مألوف صورت می‌گیرد، نطفه مرد با عمل نکاح به نطفه زن می‌رسد و عوامل مقارن با این عمل دست به کار می‌شوند تا فرزند متولد شود. به همین دلیل ولادت را مستند به عمل نکاح می‌کنند همان طور که سایر مسببات را به اسبابش مستند می‌کنند و چون انعقاد نطفه عیسی علیه السلام از این مجرا نبود و پاره‌ای از اسباب عادی و تدریجیه را نداشت هستیش مستند به صرف کلمه تکوین بوده بدون اینکه اسباب عادی در آن دخالت داشته باشد، پس عیسی خود کلمه است و آیه «وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاها إِلَىٰ مَرْيَمَ وَ رُوْحٌ مِنْهُ» (نساء: ۱۷۱) و نیز آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ، كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹) مؤید این معناست (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۹۳/۳).

- تعجب حضرت مریم از بشارتی که آیه آن را ذکر می‌کند بدین دلیل بود که چگونه فرزندان می‌شود حال آنکه قبل از این نه ازدواج کرده نه زنا. همچنین سیاق این معنا را می‌رساند که مریم از کلام جبرئیل که گفت: «تا پسری به تو ببخشم» فهمیده که این پسر را در همین حال می‌بخشد. بنابراین، گفت: «هیچ بشری با من تماس نگرفته و زناکار هم نبوده‌ام» و در این جمله فهماند که فرزندان شدن من الان منوط به این است که چند ماه قبل، نکاح یا زناهی صورت گرفته باشد و حال آنکه صورت نگرفته است.

- حضرت مریم پس از آنکه به کنار تنه درخت خرمایی روی آورد تا وضع حمل کند از خجالت و شرمش از مردم گفت: «ای کاش! قبل از این مرده بودم و "نسی" یعنی، چیزی غیرقابل اعتنا بودم که فراموش می‌شدم تا مردم درباره‌ام حرف نمی‌زدند که به زودی خواهند زد».

- ضمیر فاعل در جمله «ناداها» به عیسی علیه السلام برمی‌گردد به دلیل ظاهر سیاق که از این قرار است: اول اینکه، قید «مِنْ تَحْتِهَا» چون با حال مولود نسبت به مادرش هنگام وضع حمل مناسب‌تر است. دوم اینکه، برگشتن ضمیر در جمله قبل و بعد به عیسی علیه السلام برمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۲/۱۴)

«كَذَلِكَ» در سوره مریم یعنی، «واقع مطلب همین است که گفتیم و در این بشارت هیچ شکی نیست» و علت آن در جمله بعد آمده است: «قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْئٍ». با این جمله هر استعجابی برطرف می‌شود و می‌رساند که هیچ مرادی از اراده او تخلف نمی‌پذیرد و امر او چنین است که وقتی اراده چیزی کند بگوید: «باش» و می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷/۱۴)

نفی فرزند بودن عیسی علیه السلام برای خدا نیز با این تقریر در قرآن آمده است: «إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». در آیه ۳۵ سوره مریم می‌فرماید: «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». گفتار نصاری درباره فرزند بودن مسیح برای خدا ابطال و نفی شده و جمله «إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ» حجتی است که بر این معنا اقامه شده است و اگر به لفظ «قضى» تعبیر شده برای این است که بر علت و ملاک مسئله یعنی، محال بودن فرزندی مسیح برای خدا دلالت کند؛ زیرا فرزندان شدن به دلیل این است که فرزند، انسان را در حوایج زندگی کمک کند، ولی خدای سبحان بی‌نیاز از کمک است. او هیچ‌وقت خواسته‌اش از خواستش تخلف نمی‌کند و مرادش از اراده‌اش عقب نمی‌افتد. او هر قضایی که می‌راند تنها مایه‌اش این است که بگوید: «کن» و نیز فرزند، خود جزئی از اجزای وجود والد است که از او جدا می‌شود و با تربیت تدریجی به صورت فرد جداگانه‌ای مانند خود او درمی‌آید و خدای سبحان از اینکه در کارهایش متوسل به تدریج شود بی‌نیاز است. همچنین مثل و ماندنی ندارد، بلکه

آنچه اراده کند همان طور که اراده می کند و بدون کمترین مهلت و تدریج موجود می شود بدون اینکه شباهتی به او داشته باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۸/۱۴)

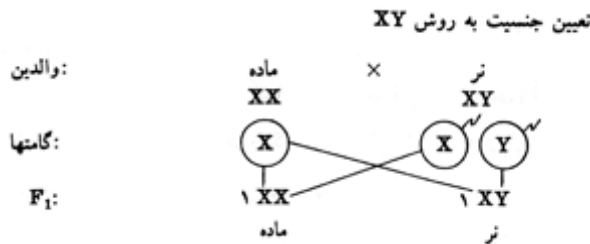
نتیجه بحث المیزان آن است که چون انعقاد نطفه عیسی علیه السلام با آمیزش یک مرد و زن نبوده و پاره ای از اسباب عادی و تدریجیه را نداشته است قهراً هستیش مستند به صرف اراده الهی و کلمه تکوین بوده بدون اینکه اسباب عادی در آن دخالت داشته باشد. غیرعادی بودن آن را می توان از تعبیر مادرش حضرت مریم نیز به دست آورد که به دلیل این واقعه، آرزوی فراموش شدن داشت. همچنین به دلایل بسیار عقلی، نقلی و علمی، حضرت عیسی علیه السلام فرزند خدا نیست، بلکه تنها فرزند حضرت مریم و بدون پدر است.

۶. تولد حضرت عیسی علیه السلام از نظر علم ژنتیک

روال عادی در طبیعت برای تولد انسان از راه آمیزش زن و مرد و با ترکیب نطفه طرفین (اسپرم و اوول) در رحم زن اتفاق می افتد، ولی این دلیل بر این نیست که سایر راه هایی که برای ایجاد و تولد یک انسان وجود دارد خارج از قوانین طبیعت باشد؛ زیرا از سویی برای تولد انسان به طور حتم نیاز به قرابت مرد به زن نیست، بلکه به هر طریقی نطفه مرد به رحم زن در شرایط مساعد منتقل شود این باروری اتفاق می افتد. برای مثال به رحم زن تزریق شود. دوم اینکه، حتی بدون نیاز به وجود یک زن نیز می توان با قرار دادن نطفه بارور شده در بیرون و منتقل کردن آن به بدن یک مرد یک انسان را پرورش داد و متولد کرد؛ سوم، باتوجه به رشد علم در زمینه علم ژنتیک و سلول های بنیادین برخلاف قواعد طبیعی و با اتکا بر همان قوانین موجود در طبیعت می توان بدون نیاز به دو نفر و با پرورش یک سلول از بدن زن و یا مرد فردی را مشابه او کپی کرد. اینها همگی نشان دهنده این مطلب است که برخلاف جریان طبیعی حاکم بر جهان خلقت، ظرفیت های دیگری در دنیای طبیعت به صورت ناشناخته برای تولد انسان وجود دارد که نمی توان به صرف عدم باور آنها در گذشته ادعا کرد که برخلاف قوانین طبیعت رخ داده اند.

۱-۶. مکانیزم کروموزومی جنسی انسان

در انسان و در همه پستانداران دیگر، وجود کروموزوم Y گرایش به نرینی را تعیین می‌کند. نرهای طبیعی از نظر کروموزومی XY و ماده‌های طبیعی XX هستند. این خصوصیت سبب می‌شود که نسبت جنسی در هر نسل ۱:۱ (نسبت ۱:۱ ناشی از نحوه پخش کروموزوم‌های X و Y در اسپرم و تخمک است) باشد. از آنجا که جنس نر دو نوع گامت که از نظر کروموزوم‌های جنسی متفاوت هستند تولید می‌کند آن را جنس هتروگامتیک می‌نامند و جنس ماده که فقط یک نوع گامت تولید می‌کند، جنس هموگامتیک است. این گونه تعیین جنسیت را روش XY می‌نامند.



درواقع برای تشکیل یک جنین انسانی نیاز به ادغام یک اسپرماتوزوئید مرد با یک اووم (تخمک) زن است که هرکدام ۲۳ کروموزوم و در مجموع ۲۳ جفت (۴۶) کروموزوم انسانی را تشکیل می‌دهند. اگر کروموزوم جنسی انتقالی توسط اسپرماتوزوئید X باشد جنین مؤنث، ولی اگر Y باشد جنین مذکر خواهد بود، ولی برخی مواقع چند اووم یا تخمک درون رحم قرار می‌گیرد و چندین فرزند به دنیا می‌آید. اینک این سؤال مطرح می‌شود که اگر بتوان دو اووم یا تخمک زن را با هم ادغام کرد چه اتفاقی می‌افتد. چنین به نظر می‌رسد که با ترکیب این دو اووم دودست کروموزوم ۲۳ تایی با هم زوج شده و چون هردو کروموزوم جنسی X است، پس یک جنین مؤنث تشکیل شده و یک دختر متولد می‌شود. اگر بتوان یکی از این کروموزوم‌های جنسی X را به Y تبدیل کرد جنین مذکر بوده و یک پسر متولد خواهد شد. در مورد حضرت مریم علیها السلام و فرزندش عیسی علیه السلام همین اتفاق روی داده است و کننده این کار جبرئیل (روح القدس) بوده است، البته به خواست و فرمان خداوند متعال. (ر.ک.، مریم: ۱۶ و ۳۷)

می‌توان چنین فرض و تصور کرد که عکس عمل میوز اتفاق افتاده است و با ادغام دو سلول جنسی (اووم یا تخمک) یک سلول انسانی کامل پدیدار شده است، پس می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که حضرت عیسی علیه السلام فرزند مادر و اجدادش یعنی، آل عمران، ابراهیم، نوح و آدم بوده است. علم ژنتیک و وراثت این مسئله را ثابت و تأیید می‌کند چنان که در آیات قرآن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۳۳ و ۳۴) و «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید: ۲۶ و ۲۷).

انسان دو دست کروموزوم دارد که یک دست آن از مادر و دست دوم از پدر به ارث می‌رسد. کروموزوم جنسی X که در رحم مریم تبدیل به Y شده است پدری بود. حضرت عیسی علیه السلام از نسل و نژاد ابراهیم حبیب الله است؛ زیرا همین کروموزوم‌ها از ابراهیم، نسل اندر نسل به پدر مریم یعنی، عمران و همچنین خود مریم منتقل شده است. این موضوع که حضرت عیسی علیه السلام از فرزندان ابراهیم است به صراحت در برخی از اناجیل نیز مکتوب است. جبرئیل رسول الله این کار ادغام دو اووم یا تخمک و تغییر کروموزوم جنسی را چگونه انجام داده است: «آیا خبر میهمان‌های گرامی داشته شده ابراهیم به تو رسیده است هنگامی که بر او وارد شدند پس گفتند: سلام! (ابراهیم) گفت: سلام! (شما) گروهی ناشناخته (اید)، پس به سوی خانواده‌اش روی کرد و گوساله فربه (بریان شده‌ای) آورد و آن را به ایشان نزدیک کرد (و) گفت: آیا (غذا) نمی‌خورید، پس از آنان (در دل) احساس ترس کرد. فرشتگان گفتند: نترس و او را به پسری دانا مژده دادند و زنش درحالی که فریاد می‌کشید روی آورد و به صورتش زد و گفت: چگونه من می‌زایم درحالی که) پیرزنی نازا هستم. فرشتگان گفتند: پروردگارت چنین گفته است؛ زیرا او خود فرزانه و داناست» (ذاریات: ۲۴ و ۳۰).

انسان زیرمجموعه‌ای از کل پیکره ملائکه است و تمام فعالیت‌های بیولوژیک او در دست آنهاست از جمله میتوز و میوز. ملائکه به راحتی توانسته‌اند عقیمی و نازایی حضرت ابراهیم و همسرش را برطرف کنند؛ زیرا فرمان زوجیت در دست آنهاست. ازاین‌رو، جبرئیل به راحتی توانسته است دو اووم (تخمک) مریم را در هم ادغام و یک کروموزوم جنسی او را تغییر دهد و جنین حضرت عیسی علیه السلام شروع به رشد و نمو کرده است. ملائکه می‌توانند به تمام ذرات و ترکیبات و... فرمان دهند. (طباطبایی، ۱۳۸۷) از توضیحات مطرح شده مشخص می‌شود که تولد حضرت عیسی علیه السلام در چارچوب قوانین طبیعت، اما نه از راه معمول آن بوده و خواست و اراده خدا به آن تعلق گرفته است که ایشان تنها از مادر و با تغییراتی در کروموزوم‌ها متولد شود.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از شخصیت‌های مهمی که در دکتین مهدویت با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور همراه است حضرت عیسی علیه السلام مسیح علیه السلام است. شبهات پیرامون حیات ایشان نیز همیشه آمیخته با شبهات مهدویت بوده است. علم ژنتیک تاحدودی و به طور احتمالی چگونگی تکوین حضرت عیسی علیه السلام را بدین توضیح که تغییر و تبدلی در کروموزوم‌های ایشان صورت گرفته است، بیان و اثبات می‌کند که ایشان تنها از مادر متولد شده و از نسل و نژاد حضرت ابراهیم و عمران علیه السلام است همان‌گونه که قرآن توصیف و المیزان بیان و تفسیر کرده است. از نظر تفسیر المیزان و علم ژنتیک این تولد از راه اسباب غیرعادی، اما به صورت طبیعی و در چارچوب نظام تکوین صورت گرفته است.

فهرست منابع

- * القرآن الکریم (۱۳۸۸). مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. بی نام (۱۳۹۱). <http://www.pasokhgoo.ir/node/77512>.
۲. قاسم‌نژاد، حسین (۱۳۸۸). مروری بر مبانی علم ژنتیک در قرآن کریم. مشاهده شده در: http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=387207
۳. طباطبایی، محمدرضا (۱۳۸۷). مسیح عیسی بن مریم رسول الله می آید. مشاهده شده در: www.ki2100.com 28-07-2024
۴. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). معنی‌شناسی شناختی قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

معرفی شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام امام رضا علیه السلام

ساجده فاطمه^۱، نفیسه ایران پور^۲

چکیده

اعتقاد به مهدویت باور مشترک ادیان الهی است. تمام معصومین علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا امام یازدهم علیه السلام به تبیین مهدویت پرداخته و با آشنا کردن شیعیان با آموزه‌های مهدوی آنها را برای دوران غیبت آماده کرده‌اند. در نوشتار حاضر، بحث مهدویت در کلام امام رضا علیه السلام با روش کتابخانه‌ای و توصیفی و با استفاده از منابع روایی شیعه واکاوی شده است. اندیشه‌های مهدویت در دوره امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام تبیین شده بود، اما در زمان امام رضا علیه السلام جریان مهدویت توسط واقفیه و فرقه‌های ضاله دچار انحراف شد. از این رو، حضرت تلاش کرد تا مهدویت و معرفت مهدوی را در جریان و خط صحیحش بازگرداند و صیانت کند. در مقاله حاضر، روایات امام رضا علیه السلام پیرامون شخصیت و جایگاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بررسی می‌شود. موضوعات مطرح در این روایات مشتمل بر معرفی شخصیت حضرت حجت، وقایع آخرالزمان و فرج و ظهور است که راویان آن، افراد موثق و عالمان شیعی هستند تا رابطی برای انتقال مفاهیم و تفکر مهدویت به جامعه شیعی باشند.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، مهدویت، شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روایات، ظهور، فرج.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف اسلامی به زبان انگلیسی، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.



تمام ادیان توحیدی به وجود نجات بخشی معتقد هستند که ظهور خواهد کرد و همه نیروهای شر را منکوب و نابود می کند، حکومت عدل را برپا کرده و مساوات را در سرتاسر زمین برقرار می کند، حکومت دشمنان خدا را خاتمه داده و سلطنت الهی را بر تمام زمین حاکم می کند. این موضوع به شکل جدی مورد توجه قرار گرفته است. (عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۸) این منجی و نجات بخش در دین اسلام، شخصیتی الهی به نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که رهبری با هویت شناخته شده و از پیش تعیین شده است تا قیام کرده و تحول بزرگ اجتماعی را پدیدار و جامعه بشری را اصلاح کند و همه امور را در مسیر هدایت الهی بازگرداند. مزده به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همان سال های آغازین ظهور اسلام آغاز شد و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هر فرصت و مناسبتی که پیش می آمد مردم را به ظهور عدالت گستر موعود در آخرالزمان بشارت می داد و آنها را از نسل و تبار، تولد و غیبت، ویژگی های ظاهری، نشانه های ظهور، شاخصه های قیام رهایی بخش و مؤلفه های حکومت جهانی آن حضرت آگاه می کرد. این سیر پس از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در میان اهل بیت علیهم السلام استمرار یافت و هریک از ایشان نیز در عصر خود تلاش کردند که باور مهدوی و فرهنگ انتظار را در میان امت اسلامی زنده و پویا نگه دارند. حرکت روبه گسترش معارف مهدوی در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید. آن دو امام با تبیین، تشریح، پالایش و پیرایش آموزه های اسلامی در زمینه های مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی و تحکیم پایه های ایمانی پیروان خود تلاش فراوانی برای توسعه و تعمیق اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در میان شیعیان کردند و با به جا گذاشتن صدها روایت در این زمینه این اندیشه و فرهنگ را تازگی و طراوت بیشتری بخشیدند. پس از این دو امام و پیش از امام حسن عسگری علیه السلام امامی که بیش از همه بر موارث شیعی در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار افزود و گنجینه های گران بهایی برای امت اسلام به یادگار گذاشت امام رضا علیه السلام است. براساس پژوهش ها روایات فراوانی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که

هریک از آنها شیعه را با بعدی از ابعاد بی‌کران شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام رهایی بخش و عدالت‌گستر آن حضرت آگاه می‌کند.

۲. روایات امام رضا علیه السلام پیرامون معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نکته قابل توجه این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حدود هفتاد سال قبل از ولادتش در کلام امام رضا علیه السلام به مردم معرفی شده است. این جنبه فرازمانی و فرامکانی منجی موعود در روایات متعددی از امام رضا علیه السلام و دیگر ائمه قبل ایشان ادراک می‌شود.

۲-۱. روایت اول

امام رضا علیه السلام در مورد معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «بعثنی بالحق بشیراً لیغیبنَّ القائم من ولدی بعهد معهود إلیه منی حتی یقول أكثر الناس: ما لله فی آل محمد حاحه و یشک آخرون فی ولادته. فمن أدرك زمانه فلیتمسک بدینه ولا یجعل للشیطان إلیه سبیلاً بشکّه فیزیله عن ملّتی و یخرجه عن دینی، فقد أخرج أبویکم من الجنّة من قبل، وإن الله عزوجل جعل الشیاطین أولیاء الذین لایؤمنون؛ سوگند به آن که مرا به حق به عنوان بشارت‌دهنده برگزید [امام] قائم از فرزندان من براساس پیمانی که از جانب من برعهده اوست از دیده‌ها پنهان می‌شود تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: خدا نیازی به خاندان محمد ندارد و گروهی دیگر در ولادت او شک می‌کنند. پس هرکس زمان او را دریابد باید به دین او درآویزد و به واسطه شک خود برای شیطان راهی به سوی خود باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زائل و از دین من بیرون نکند. همچنان که پیش از این پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. به درستی که خداوند عزوجل، شیطان را سرپرست (ولی) کسانی که ایمان ندارند قرار داده است.» (صدوق، ۱۴۰۵، ۱/۵۱)

۲-۲. روایت دوم

آن حضرت در روایت دیگری درباره قرابت نسبی امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان می‌فرماید: «الخلف الصالح من ولد أبی محمد الحسن بن علی و هو صاحب الزمان و هو المهدی؛ آن جانشین صالح از

فرزندان ابومحمد حسن بن علی است و او صاحب الزمان و مهدی است». (مجلسی، ۱۳۸۶، ۴۳/۵)

۲-۳. روایت سوم

در روایت دیگری امام رضا علیه السلام پس از آنکه دعبل در پیشگاه آن حضرت قصیده معروف خود را در وصف اهل بیت علیهم السلام می خواند و در آن از قیام آخرین امام یاد می کند، می فرماید: «یا دعبل الإمام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبتة، المطاع فی ظهوره لولم یبق من الدنيا إلا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلك الیوم حتی یشخرج فیملء الأرض عدلاً کما ملئت جوراً؛ ای دعبل؛ امام پس از من فرزندانم محمد و پس از محمد فرزندش علی و پس از علی فرزندش حسن و پس از حسن فرزندش حجت قائم است. همو که در غیبتش انتظار کشیده می شود و در ظهورش اطاعت می گردد. اگر از (عمر) دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد خداوند عزوجل آن روز را آن قدر طولانی می کند تا او قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند همچنان که از جور و ستم پر شده بود». (عطاردی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۶)

۲-۴. روایت چهارم

امام رضا علیه السلام در پاسخ ابی صلت هروی که می پرسد: «ما علامات القائم منکم إذا خرج؛ نشانه های قائم شما به هنگام ظهور چیست؟» می فرماید: «علامته أن یکون شیخ السنّ، شاب المنظر، حتی أن الناظر الیه لیحسبه ابن أربعین سنة أو دونها وإن من علاماته أن لایهرم بمرور الأيام واللیالی، حتی یأیته أجله؛ نشانه او این است که سن پیران و چهره جوانان دارد تا آنجا که وقتی کسی او را مشاهده می کند، گمان می برد که چهل سال یا کمتر سن دارد. به درستی که از نشانه های او این است که گذر شب و روز او را پیر و سالخورده نمی سازد تا زمانی که اجل او فرارسد» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۳۷۲).

۲-۵. روایت پنجم

در روایتی که حسین بن خالد آن را نقل می‌کند آن حضرت در پاسخ این پرسش که «یا ابن رسول الله و من القائم منکم اهل البيت؟؛ ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» می‌فرماید: «قال الرابع من ولدی ابن سیدة الإمام، يطهر الله به الأرض من كل جور و یقدّسها من كل ظلم، [و هو] الذی یشکّ الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل خروجه. فإذا خرج أشرقّت الأرض بنوره [بنور ربّها] و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحد أحدا و هو الذی تطوی له الأرض ولا یكون له ظلّ و هو الذی ینادی من السماء یسمعه جمیع اهل الأرض بالدعاء إلیه یقول: ألا إنّ حجة الله قد ظهر عند بیت الله فاتّبعوا فإنّ الحقّ معه و فیه؛ چهارمین از فرزندان من فرزند سرور کنیزان، کسی است که خداوند به واسطه وی زمین را از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پیراسته می‌سازد و او کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند و او کسی است که پیش از خروجش غیبت می‌کند و آن گاه که خروج کند زمین به نورش [نور پروردگارش] روشن گردد و در میان مردم میزان عدالت را برقرار کند و هیچ کس به دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برای او در هم پیچیده می‌شود و سایه‌ای برای او نباشد و او کسی است که از آسمان نداکننده‌ای او را به نام ندا کند و به وی دعوت نماید به گونه‌ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند، می‌گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده است، پس او را پیروی کنید که حق با او و در اوست» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۳۷۲).

۲-۶. روایت ششم

آن حضرت در پاسخ ریان بن صلت که می‌پرسد: «أنت صاحب هذا الأمر؟ آیا صاحب این امر (حکومت اهل بیت علیهم السلام) شما هستید؟» می‌فرماید: «أنا صاحب هذا الأمر ولكنی لست بالذی أملؤها عدلاً کما ملئت جوراً و کیف أكون ذلک علی ماتری من ضعف بدنی و إنّ القائم هو الذی اذا خرج کان من سنّ الشیوخ و منظر الشبان قویاً فی بدنه حتّی لومدّ یده إلی أعظم شجرة علی وجه الأرض لقلعها ولو صاح بین الجبال لتدکدکت صخورها یكون معه عصا موسی و خاتم سلیمان علیهما السلام، ذاک الرابع من ولدی یغیبه الله فی ستره ما شاء، ثم یظهره فیملوء [به] الأرض قسطاً و عدلاً. کما

ملئت جورا و ظلما؛ من صاحب این امر هستم، اما آن که زمین را پر از عدل می کند همچنان که پر از جور شده بود، من نیستم و چگونه من با این ناتوانی جسمی که می بینی، می توانم او باشم. به درستی که قائم کسی است که به هنگام قیامش در سن پیرمردان و با چهره جوانان ظاهر می شود. او از چنان قوت بدنی برخوردار است که اگر دستش را به سمت بزرگ ترین درختی که بر روی زمین وجود دارد دراز کند آن را از ریشه برمی کند و اگر در بین کوه ها فریاد کشد صخره ها متلاشی می شوند. عصای موسی و خاتم سلیمان که بر آنها درود باد با اوست و او چهارمین فرزند من است. خداوند او را تا زمانی که بخواهد در پوشش خود غایب می سازد، سپس او را آشکار می سازد تا زمین را به وسیله او از قسط و عدل آکنده سازد آنچنان که پیش از آن از جور و ستم پر شده بود» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۳۷۶).

۲-۷. روایت هفتم

آن حضرت در پاسخ سلیمان بن جعفر الحمیری که می پرسد: «تخلو الأرض من حجة الله؟ آیا زمین از حجت خدا خالی می ماند؟» می فرماید: «لوخلت الأرض طرفة عين من حجة لساخت بأهلها؛ اگر زمین [به اندازه] یک چشم برهم زدن از حجت خالی بماند ساکنانش را در خود می برد». (صفار قمی، ۱۳۸۱، ص ۴۸۹)

۲-۸. روایت هشتم

در یکی از روایت هایی که امام رضا علیه السلام به واسطه پدران خود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند چنین آمده است: «أنا سيّد من خلق الله عزوجل و أنا خير من جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و حملة العرش و جميع ملائكة الله المقربين و أنبياء الله المرسلين و أنا صاحب الشفاعة والحوض الشريف و أنا و عليّ أبوا هذه الأمة من عرفنا فقد عرف الله عزوجل و من أنكرنا فقد أنكر الله، عزوجل و من عليّ سبطا أمتي و سيدا شباب أهل الجنة، الحسن والحسين و من ولد الحسين تسعة أئمة، طاعتهم طاعتي و معصيتهم معصيتي، تاسعهم قائمهم و مهدئهم؛ من سرور آفریده های خدای عزوجل هستم. من از جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، حاملان عرش، همه فرشتگان مقرب خدا و

پیامبران مرسل خدا برترم. من صاحب شفاعت و حوض شریف کوثر هستم. من و علی دو پدر این امتیم. هرکس که ما را شناخت خدای عزوجل را شناخته است و هرکه ما را انکار کند خدای عزوجل را منکر شده است. دو سبط این امت و دو سید جوانان اهل بهشت، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام از فرزندان علی علیه السلام هستند و از نسل حسین علیه السلام ۹ امامند که پیروی از آنان پیروی از من و نافرمانی از آنها نافرمانی از من است. نهمین نفر از این امامان، قائم (برپادارنده) و مهدی آنان است.» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۲۶۱)

۳. روایات پیرامون غیبت و ظهور

امام رضا علیه السلام مانند دیگر اجدادش، موضوع غیبت آخرین حجت حق را پیش بینی و شیعیان را برای برخورد با این پدیده آماده کرده است. مسئله غیبت زمانی مورد توجه امام رضا علیه السلام قرار گرفت که هنوز پدران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد نشده بودند. این علم غیب ایشان بسیار قابل توجه است.

۳-۱. روایت اول

در یکی از روایاتی که حسن بن علی بن فضال از آن حضرت نقل کرده آمده است: «کأنتی بالشیعة عند فقدهم الثالث من ولدی کالنعیم یطلبون المرعی فلا یجدونه. قلت له: ولم ذاک یا ابن رسول الله؟ قال: لأنّ إمامهم یغیب عنهم، فقلت: ولم؟ قال: لئلاّ یکون لأحد فی عنقه بیعة إذا قام بالسیف؛ گویا شیعیان را می بینم که به هنگام فقدان سومین فرزند من مانند گوسفندانی که به دنبال چوپان خود می گردند، سرگردانند و او را نمی یابند. گفتم: چرا این گونه است ای پسر رسول خدا؟ فرمود: زیرا امامشان از آنها غایب شده است. پرسیدم: چرا؟ فرمود: برای اینکه به هنگام قیامش با شمشیر بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۴۸۰)

۳-۲. روایت دوم

آن حضرت در روایت دیگری به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بأبی ابن خیرة الإمام ابن النبیة الطیبة الفم، المنتجة الرحم و هو الطرید الشرید الموتور بأبیہ و جدّه، صاحب الغیبة یقال مات أوهلک، أئ واد سلک؛ پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان! فرزند آن کنیز اهل نوبه که دهانی

خوش بو و رحمی نیک نژاد دارد. او رانده شده (دورافتاده)، بی خانمان و کسی است که انتقام خون پدر و جدش گرفته نشده و صاحب غیبت است. گفته می شود: او مرده یا هلاک شده است در چه سرزمینی سیر می کند». (کلینی، ۱۳۹۹، ص ۳۲۳)

۳-۳. روایت سوم

امام رضا علیه السلام در روایتی خطاب به حسن بن جهم که از ایشان در مورد فرج می پرسد، می فرماید: «أولست تعلم أنَّ انتظار الفرج من الفرج؟ قلت: لا أدري إلاَّ أن تعلمني. فقال: نعم انتظار الفرج من الفرج؛ آیا می دانی که انتظار فرج جزئی از فرج است؟ گفتیم: نمی دانم، مگر اینکه شما به من بیاموزید. فرمود: آری انتظار فرج جزئی از فرج است». (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۶)

۳-۴. روایت چهارم

ایشان در روایت دیگری می فرماید: «ما أحسن الصبر و انتظار الفرج أما سمعت قول العبد الصالح: "وارتقبوا إني معكم رقيب" (هود: ۹۳)، "وانظروا إني معكم من المنتظرين" (اعراف: ۷۱)، فعليكم بالصبر إنما يجيء الفرج على اليأس وقد كان الذين من قبلكم أصبر منكم؛ چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا سخن بنده صالح خدا یعنی، شعیب را نشنیدی که فرمود: "و انتظار برید که من هم با شما منتظرم" و "پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم". بر شما باد به صبر و بردباری؛ زیرا گشایش بعد از ناامیدی فرامی رسد و به تحقیق کسانی که پیش از شما بودند از شما بردبارتر بودند» (حمیری، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴).

۳-۵. روایت پنجم

امام رضا علیه السلام در روایتی، فضیلت انتظار را این گونه بیان می کند: «أما يرضى أحدكم أن يكون في بيته ينفق على عياله ينتظر أمرنا فإن أدركه كان كمن شهد مع رسول الله صلى الله عليه وآله بدرا وإن لم يدركه كان كمن كان مع قائمنا في فسطاطه؛ آیا هیچ یک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده اش را بپردازد و چشم به راه امر ما باشد، پس اگر در چنین حالی از دنیا برود مانند کسی است که به همراه رسول خدا صلى الله عليه وآله در نبرد بدر به شهادت رسیده است و اگر هم مرگ به سراغ او

نیاید مانند کسی است که به همراه قائم ما و در خیمه او باشد». (کلینی، ۱۳۹۹، ۴/۲۶۰) میان امام رضا (ع) و امام مهدی (عج) چنان پیوند قلبی وجود داشت که آن حضرت از سال‌ها پیش از تولد نسل چهارم خود با بیان‌های متعدد و متفاوت او را دعا کرد و نصرت و یاریش را از خداوند طلب کرد. در یکی از این دعاها آمده است: «اللهم أصلح عبدک و خلیفتک بما أصلحت به أنبیاءک و رسلک و حقّه بملائکتک و أیّده بروح القدس من عندک و اسلکه من بین یدیه و من خلفه رصدًا یحفظونه من کلّ سوء و أبدله من بعد خوفه أمانًا یعبدک لایشرک بک شیئًا و لاتجعل لأحد من خلقک علی ولیک سلطانًا وائذن له فی جهاد عدوّک و عدوّه واجعلنی من أنصاره إناک علی کلّ شیء قدير؛ خداوند! امور بنده و جانشینت را اصلاح کن، آنچنان که امور پیامبران و رسولانت را اصلاح کردی. او را با فرشتگانت دربر گیر و با روح القدس از جانب خودت یاری کن، در پشت سر و پیش روی نگهبانانی قرار ده که او را از بدی درامان دارند. بیم و نگرانی او را تبدیل به امنیت و آرامش کن تا فقط تو را بپرستد و کسی را برای تو شریک نگیرد. هیچ یک از آفریدگانت را بر ولی خود مسلط مساز. اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ زیرا تو بر همه چیز توانایی» (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۶).

۴. نتیجه‌گیری

آموزه‌های مهدویت بخشی از معارف امامت است. امامان معصوم همگی با این هدف همراه بودند که زمینه را برای غیبت و امام غائب فراهم کنند. غیبت، امتحان سنگینی برای شیعه بوده است. باور به امامی که از آغاز پنهان بوده، ولی همواره در حال جهاد و انجام مسئولیت‌های امامت است. امامی که عموم مردم حتی تولدش را باور ندارند و اسمی از او در تاریخ ثبت نکرده‌اند. امامی که حتی زنان آثار حمل او را بر مادرش ندیده و کودکی و رشدش را شاهد نبوده‌اند. اگر شیعه زمینه‌سازی‌های بسیار امامان را با خود نداشت، نمی‌توانست از چنین امتحان سنگینی سربلند بیرون آید. امام رضا (ع) در عصری رهبری را برعهده گرفت که جامعه شیعی گسترش کمی و جغرافیایی یافت، ولی هنوز آمادگی برای درک جایگاه امام نداشت و ناتوان‌تر از آن بود که بر فتنه‌ها و تردیدهای دوره غیبت فائق آید. همچنین اگرچه سازمان وکالت، سازمان یافته و پیچیده عمل

می‌کرد، ولی برای برخورد با فتنه‌هایی که از درون وکلا برمی‌خاست آمادگی نداشت. آموزه‌های مهدوی در کلام امام رضا علیه السلام متناسب با نیاز جامعه شیعی تنظیم شد. گذشته از علم امام به آینده، انحرافات مانده وقف قابل پیش‌بینی بود. محدودیت شدید امام و حبس او از سویی و گسترش جامعه شیعی و افزایش درآمدهای وکلا از سوی دیگر زمینه مناسبی برای فساد و انحراف فراهم می‌کند. روایات این عصر حکایت از توجه به این مشکل دارد و دلیل تأکید بر علائمی از امام زمان که با ادعای واقفه ناسازگاری دارد این‌گونه قابل فهم است. در پژوهش حاضر روایات امام رضا علیه السلام درباره معرفی شخصیت امام زمان رحمة الله تعالی و شرایط ظهور و فرج در عصر غیبت مبتنی بر کتب‌دست اول و موثق شیعه مورد توجه قرار گرفت. در این روایات نسبت فرزندی امام زمان رحمة الله تعالی با امام رضا علیه السلام خصوصیات ظاهری ایشان ضرورت وجودی ایشان و وضعیت غیبت و ظهور ایشان به شیعیان ارائه شد.

فهرست منابع

- * قرآن الکریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۷). الغیبه. مترجم: عزیزی، مجتبی. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۲. الحمیری، عبدالله بن جعفر (۱۳۷۱). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۸۲-۱۴۰۵). کمال الدین و تمام النعمه. مترجم: پهلوان، منصور. قم: مسجد مقدس جمکران.
۴. الصفار القمی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن فروخ (۱۳۸۱). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام. قم: المکتبه الحیدریه.
۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۳۷۰). مصباح المتبهجد و سلاح المتعبد. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۶. عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۴۱۳). مسند الامام الرضا علیه السلام. بیروت: دارالصفوه.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۹). ترجمه اصول کافی. مترجم: به‌نژاد، عباس. تهران: انتشارات آرایه.
۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۶). بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

بررسی مهدویت در اندیشه مستشرقین و نقد آنها

سمیه ضیایی^۱

چکیده

اگرچه از دیرباز برخی از اندیشمندان و عالمان غربی در زمینه مفاهیم اسلامی و به ویژه مهدویت، پژوهش و تألیفاتی داشته‌اند، اما سابقه توجه ویژه غرب به موضوع مهدویت معطوف به دو قرن اخیر است. در این فاصله زمانی برخی از مستشرقین به طور خاص در موضوع مهدویت نزد مسلمانان پژوهش کرده‌اند. هدف پژوهش پیش‌رو، بررسی و تبیین اندیشه مهدویت در نگاه مستشرقین است. در نوشتار علاوه بر بازتاب دیدگاه مستشرقین درباره مهدویت، نظریات و دیدگاه‌های آنها نقد و بررسی می‌شود. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، نظریات شرق‌شناسان غربی را بررسی می‌کند. براساس تحلیل‌های صورت گرفته، شرق‌شناسان غربی با نگاه تاریخی و باتوجه به زمینه‌های توجه غرب به مهدویت، مسئله مهدی‌پژوهی را مورد توجه قرار داده‌اند. نمونه‌هایی از نظریات مستشرقین غربی نشان می‌دهد که دیدگاه آنها به شدت متأثر از غرب است. ازاین‌رو، نقد نظریات آنها در مورد مسئله مهدویت علاوه بر اینکه دیدگاه آنها را مخدوش می‌کند، باعث تزلزل دیدگاه آنها درباره اسلام و نظریات مسلمانان می‌شود. به‌طورکلی، محدودیت‌ها و آفات نگاه غرب در موضوع مهدویت نیز بخش مهمی است که طی آن زمینه‌های نگاه ناصحیح مستشرقین به مهدویت تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: مستشرقین، مهدویت، هانری کرین، همیلتون گیپ، جیمز دامستتر.

۱. دانش پژوه کارشناسی معارف اسلامی به زبان انگلیسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی، قم، ایران.



از بنیادی‌ترین مباحث اعتقادی اسلام، مهدویت است. نگاهی به متون مقدس اسلام (شیعه و سنی) نشان می‌دهد که باور به آمدن مصلح و منجی در انتهای تاریخ، یکی از اساسی‌ترین و بدیهی‌ترین مؤلفه‌های فکری و کلامی تمام فرقه‌های مذهبی است. علاوه بر مذاهب اسلامی در تمام ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی (سامی و غیرسامی) نیز این اعتقاد به گونه‌های متفاوت وجود دارد. همه فرق و مذاهب اسلامی، آرمان نهایی جوامع بشری را ظهور و تجلی یک شخصیت آسمانی و منجی دینی می‌دانند که از آن تعبیر به مهدویت می‌شود. براساس این تفکر دینی، بسیاری از دین‌پژوهان و اندیشمندان غربی به این موضوع ذیل عناوینی مانند منجی‌گرایی، بازگشت مسیح، هزاره‌گرایی، نجات و رستگاری، انتهای تاریخ و امثال آن پرداخته و درباره نگرش ادیان به این موضوع مطالعات و بررسی‌های فراوانی انجام داده‌اند. در میان آثاری که دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی در زمینه مهدویت نوشته‌اند دایره‌المعارف‌هایی به چشم می‌خورد که یا موضوع مهدویت را در قالب یک کتاب مستقل یا بخش مستقلی از یک کتاب بررسی و تحلیل کرده‌اند یا باتوجه به برخی رخداد‌های سرزمین‌های اسلامی مانند برخی مدعیان مهدویت یا پیدایش مذاهبی مانند کیسانیه، اسماعیلیه، شیخیه، بابیت و بهائیت که بر مهدویت تکیه داشته‌اند نگرش مسلمانان و محتوای متون اسلامی آنها به مهدویت را مورد توجه قرار داده‌اند. بررسی‌های صورت‌گرفته در نظریات آنها در مورد مسئله مهدویت در دو محور کلی نگاهی مثبت و موافق و نگاه خصمانه و ناآشنا به مسئله مهدویت ختم می‌شود. از آنجاکه موضوع مهدویت از آموزه‌های مهم مسلمان است و مطالعات شرق‌شناسان غربی در این مورد با رهیافتی آسیب‌شناسانه صورت گرفته است بررسی و تحلیل نظریات آنها نیازمند ارزیابی دقیق و بایسته‌ای است و ضرورت آن را توجیه می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع مهدویت و دیدگاه مستشرقین، کتاب‌ها و مقالات زیادی وجود دارد. سید رضی موسوی گیلانی در دو کتاب مستشرقین و مهدویت و کتاب مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، موضوع مهدویت را از نگاه شرق‌شناسان غربی مطالعه کرده است. جدی‌ترین نقدی که مؤلف، دیدگاه مستشرقین درباره مهدویت را مورد حمله قرار داده استفاده از روش آنها در برخورد با مسئله مهدویت است. رویکرد مؤلف به نقد دیدگاه شرق‌شناسان غربی، رویکرد روشی است و این مسئله یکی از انحاء نقد دیدگاه مستشرقین در باب مهدویت است. با ارج نهادن به تلاش مؤلف در این مورد باید گفت که نقد دیدگاه مستشرقین از زوایای گوناگونی قابل طرح است از این رو، نمی‌تواند پژوهشی کامل در این زمینه باشد. مقاله مستشرقان و مهدویت نام مقاله‌ای است که محمود توسل و همکارانش در فصل‌نامه انتظار شماره ۸ چاپ کرده‌اند. وی در این مقاله با طبقه‌بندی مستشرقین سعی دارد تا تفاوت دیدگاه هریک از مستشرقین را در مسئله مهدویت به تصویر بکشد. پژوهش حاضر در راستای کامل‌تر کردن تألیفات مطرح شده، مطالعات مستشرقین درباره مهدویت را بیان کرده و آنها را نقد می‌کند.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. مهدویت

دو مفهوم که برای مشخص کردن قلمروی بحث ضروری به نظر می‌رسد مهدویت و مستشرق است. مهدویت مصدر جعلی از مهدی و به معنای مهدی بودن است. (دهخدا، ۱۳۷۴، ۲۱۸۷۷/۱۴) مهدی از هدی گرفته شده است و هدی دو معنا دارد: پیش قدم شدن برای راهنمایی و راهنمایی با لطف و مهربانی (احمدبن فارس، ۱۳۹۹، ۴۲/۶). بنابراین، مهدی، کسی است که خدا او را به سوی حق راهنمایی کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۵۴/۱۵). بنابراین، مهدویت از نظر لغوی به معنای مهدی بودن است و چون مهدی اسم مفعول است و معنای هدایت شده را می‌دهد مهدویت به معنای رهیافته بودن خواهد بود (خدامراد سلیمیان، ۱۳۸۸،

۴۳۴/۱). مهدویت در اصطلاح مفهوم عامی دارد و برای هر فردی به کار می‌رود که خدا او را هدایت کرده باشد. با این مفهوم، همه پیامبران، مهدی هستند. حتی به کار بردن این واژه درباره افراد دیگری که در مکتب آن بزرگواران تربیت و هدایت یافته‌اند، جایز است. روشن است که مقصود از مهدی که بر زبان حضرت رسول ﷺ جاری شده نام خاص و لقب شخصی معین و عزیز است. پیامبر ﷺ به ظهور او بشارت داده و مسلمانان را فراخوانده است که در ردیف منتظران ظهور او باشند (خدامراد سلیمیان، ۱۳۸۸، ۴۳۴/۱).

مهدی به طور کلی در معنای خاص اعتقاد به منجی است که تمام اوضاع زندگی بشر را به سمت صلاح و سعادت تغییر داده (مطهری، ۱۳۹۰، ۳/۳۵۶) و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. این اعتقاد در همه ادیان الهی و حتی آیین‌های بشری وجود دارد و در ردیف اعتقادات فطری است. براین اساس، اعتقاد به آن مصلح نجات‌بخش در معارف دینی فرقه‌های گوناگون اسلامی در قالب مهدویت راه یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۳/۲۴۳).

۳-۲. مستشرق

مستشرقین تمام افراد بااصالت غربی هستند که به طور قابل توجه در مورد مهدویت و موضوعات متنوع اظهار نظر کرده‌اند. (سعید، ۱۳۷۲، ص ۱۶؛ الویری، ۱۳۹۳، ص ۱۳) باتوجه به این تعریف، محققان بااصالت شرقی و اسلامی که در مراکز علمی غرب حضور دارند از دایره مستشرقین خارج می‌شوند.

۴. نظرات مستشرقین درباره مهدویت

۴-۱. جیمز دارمستتر و نگاه تاریخی به مسئله مهدویت

دارمستتر استاد یهودی مذهب دانشگاه سوربن فرانسه است که در عرصه فرهنگ شرق به‌ویژه ایران باستان و مذهب زرتشت تخصص دارد. اگرچه کتب او در زمینه ایران باستان و زرتشت بسیار معروف است، ولی مأموریتی که از طرف دانشگاه سوربن برای تحقیق در مورد مهدی سودانی به وی داده شد ایراد چند سخنرانی و تألیف کتاب مهدی از گذشته تاکنون توسط وی را

به دنبال داشت. روش دارمستتر در شناخت مسئله مهدویت، تاریخی است که فقط به پیدایش تاریخی مسئله مهدویت در صدر اسلام، فرقه ها و افرادی که خود را مهدی می دانستند، می پردازد. (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰، ص ۹۲) وی با تأثیر از افکار ابن خلدون برای مهدویت خاستگاه دینی قائل نیست و آن را برآمده از آیات کتاب آسمانی مسلمانان و سخنان نبوی نمی داند. از این رو، برای پیدایش و ترویج آن به دنبال دلایل اجتماعی و تاریخی است و حتی اعتقاد به مهدویت در میان مسلمانان را تأثیر از تفکر ایرانیان و زرتشتیان درباره سوشیانیسم می داند. وی در مورد مهدویت می گوید: «برخلاف نگرش پاره ای از خاورشناسان که آن را اسم فاعل و به معنای هدایت گر ترجمه کرده اند به صورت اسم مفعول و به معنای هدایت شده است؛ زیرا این دسته از انسان ها از جانب خدا هدایت شده اند». وی معتقد است که مهدویت در قرآن نیامده است و اینکه مهدویت در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به این وضوحی و روشنی آمده باشد جای تردید دارد. به نظر می رسد دارمستتر در این تردیدهای خود از افکار ابن خلدون تأثیر گرفته است. خلدون از نادر دانشمندان اهل سنت است که به مسئله مهدویت معتقد نیست و حتی تلاش کرده تا احادیث موجود در صحاح سته را مخدوش کند. وی به نظریات ابن خلدون برای مهدویت هیچ جایگاه دینی قائل نبود و آن را برآمده از آیات کتاب آسمانی مسلمانان و سخنان نبوی نمی دانست. او جایگاه اصلی مهدویت، رشد و ترویج آن را از لایه لای دلایل تاریخی و اجتماعی جست و جو می کرد (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰، ص ۹۶).

۴-۲. همیلتون گیب

گیب تاریخ دان و شرق شناس اسکاتلندی به واسطه برخی تحقیقات خود در زمینه ادیان شرقی و به ویژه اسلام و نیز تربیت برخی مستشرقان دیگر، جایگاه بالایی در میان اسلام شناسان غربی دارد. وی از نظر ادوار شرق شناسی متعلق به دوره چهارم است و در دوره ای می زیست که شیوه پدیدارشناسی میان شرق شناسان متعارف بود، ولی مانند شرق شناسان قرن نوزدهم نگاهی به شیعه و مهدویت دارد. بسیاری از سخنان او درباره پیدایش افکار کلامی شیعه است که آن را

محصول جریان‌ات اجتماعی و سیاسی قرن دوم می‌بیند و اندیشه شیعه درباره امامت و مهدویت را تأثیر از ادیان ایران باستان و عرفان شرقی می‌داند.

۳-۴. هانری کربن

کربن فیلسوف، شرق‌شناس و شیعه‌شناس فرانسوی و استاد دانشگاه سوربن پاریس بود. وی در سالیان آخر زندگی خود به‌طور منظم به ایران می‌آمد، به‌شدت به عرفان اسلامی و نگاه شیعی به آن علاقه‌مند بود. وی در این زمینه مطالعات گسترده و تألیفات چندی دارد. شاید به‌همین دلیل است که روش او در مطالعه عقاید اسلامی متفاوت از گذشتگان خود و با روش پدیدارشناسانه است. وی مهدویت را از محوری‌ترین عناصر اعتقادی عرفان و حکمت شیعی معرفی کرده که با آن، ارتباط بشر با عالم معنا دائماً برقرار است. اگرچه به دیدگاه‌های کربن در مواردی مانند تمایل وی به باطنی‌گرایی و عدم توجه به زوایای دیگر تفکر مهدویت اشکالاتی وارد است، ولی دیدگاه او برگرفته از منابع معتبرتر و با‌گرایشی همدلانه و نه معاندانه است.

۴-۴. برنارد لویی

یکی از مستشرقان برجسته و صاحب نام در زمینه تاریخ اسلام و فرق اسلامی به‌ویژه اسماعیلیه، برنارد لویی است. او متولد لندن و یهودی است و در دانشگاه پرینستون آمریکا تدریس می‌کند. وی در کنفرانس‌های مختلف به‌ویژه سمینارهای تشکیل یافته در اسرائیل حضور فعال داشته و نظریه خاصی درمورد پیدایش شیعه در آغاز اسلام دارد. نقل نظریات مختلف مستشرقان در زمینه منشأ مهدی‌باوری نزد شیعیان، نظریه دارمستتر مبنی بر وارداتی بودن این تفکر از ایران باستان را تقویت و نظریات دیگر را تضعیف می‌کند. مستشرقان دیگری مانند فان فلوتن، ایگناتس گلدتسیهر، ادوارد براون و مونتگمری وات نیز در کتب خود به موضوع مهدویت پرداخته‌اند. بسیاری از شرق‌شناسانی که درباره مهدویت نظراتی را در سخن و نوشته خود ابراز کرده‌اند نگاهی تاریخی به آن دوخته‌اند و ریشه مهدویت را در بن‌بست‌های اجتماعی و شکست‌های سیاسی جست‌وجو کرده‌اند و به‌جای آنکه با نگاهی پدیدارشناسانه به جایگاه این

عقیده در متون اصیل دینی توجه کنند به جنبش‌های مهدی‌گرایانه و زمینه‌های آن پرداخته‌اند. حاصل این امر نیز چنین شد که جایگاه علت و معلول را در این موضوع اشتباه دیده و به جای آنکه ظهور چنین پدیده‌هایی را در وجود اصلی پایه‌ای به نام مهدویت در متن اسلام بدانند مهدی‌گرایی را زائیده رنج، نقصان و ستم در میان مسلمانان می‌دانند.

۵. شیوه و قلمرو نگاه غرب به موعود اسلامی

باتوجه به تاریخچه توجه غرب به موعود اسلامی و بازخورد این توجه در کتاب‌ها، رسانه‌ها و عملکرد غرب در این زمینه می‌توان شیوه نگاه غرب به موعود اسلامی را در سه مرحله ارزیابی کرد.

۵-۱. بی‌توجهی

در این مرحله موعودگرایی اسلامی نزد غربیان مانند بسیاری از مفاهیم دیگر اسلامی، فرعی و کم‌اهمیت تصور می‌شد. بدین دلیل لزومی برای بررسی دقیق و موشکافانه و دقت در ابعاد اجتماعی آن نبود. شاید بتوان نگاه غرب به مهدویت در دامنه تاریخی پیش از قرن ۱۸ میلادی را با این مورد ارزیابی کرد و عدم اشاره یا اشارات کم‌فروغ نویسندگان شرق‌شناس غربی در آن دوره و در این موضوع را شاهدی بر این موضوع دانست.

۵-۲. توجه کنجکاوانه

به تدریج و با گسترش توجه غرب به شرق و به‌ویژه اسلام، شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان به مفاهیم دینی اسلامی توجه بیشتری نشان دادند و بررسی موشکافانه‌تری از این مفاهیم و از جمله موعود اسلامی صورت گرفت. این توجه مصادف با ظهور مدعیانی چند در قرن هجدهم شد که برخی از آنها مانند مهدی سودانی به منافع غرب در کشورهای مستعمره ضرباتی وارد کردند. بدین سبب دولت‌های غربی نیز به این مقوله توجه بیشتری نشان داده و مراکز علمی را ترغیب به پژوهش در این موضوع کردند. (دارمستر، دانشگاه سوربن)

۵-۳. توجه با هدف مقابله و تخریب

از آنجاکه شالوده مهدی‌گرایی در عالم اسلام برمبنای مقابله با ستم و فراگیر شدن عدالت بنا نهاده شده است معمول حرکت‌های مهدی‌گرایانه نیز در این بستر شکل گرفته است. جنبش‌های مهدی‌گرایانه‌ای که در سده‌های اخیر در کشورهای اسلامی حادث شده‌اند در ابتدا شیوه‌ای ظلم‌ستیزانه و عدالت‌خواهانه داشته‌اند. از آنجاکه معمول کشورهای اسلامی به‌طور آشکار و یا پنهان، مستعمره کشورهای غربی بوده و این کشورها منافع بسیاری از این استعمار عاید خود می‌کردند بروز این حرکت‌ها که گاه منشأ اصلی پیدایش آنها تسلط غرب بر سرزمین اسلامی و ظلم حکام دست‌نشانده مانند حرکت مهدیس سودانی در شمال آفریقا بوده ضربه‌ای جدی به منافع کشورهای استعمارگر وارد می‌کرده است. راهکار غرب در مقابله با این تفکر را می‌توان در دو دامنه کلی تقسیم کرد. دسته اول، اقداماتی است که غرب در میان کشورهای اسلامی در این باره صورت داد و دسته دوم، اقداماتی است که در خود کشورهای غربی برای تخریب این باور صورت گرفت. نمونه اقدامات غرب در میان کشورهای اسلامی در این باره عبارت است از:

- تلاش برای انحراف حرکت‌های مهدی‌گرایانه و جهت‌دهی ناسیونالیستی و مادی به جای سمت‌وسوی مذهبی؛

- ایجاد مدعیان مهدویت در کشورهای مختلف اسلامی مانند ایران، هند، پاکستان، شمال آفریقا و... با هدف تضعیف باورهای مهدوی؛

- تلاش برای پررنگ نشان دادن اختلافات فرق اسلامی در مورد مهدویت و ایجاد افتراق میان مذاهب اسلامی در این مورد؛

- اصالت‌بخشی به مواردی که اختلافی و مشکوک بود و یا اهمیت زیادی در این موضوع ندارد و به حاشیه بردن اهداف اصلی باور مهدوی؛

- خشونت‌آمیز کردن برخی حرکت‌های مهدوی با هدف تحریف اصل باور مهدویت و بهانه‌یابی برای سرکوب آنها.

مخاطب دسته دوم اقدامات غرب، افکار عمومی و مردمی بودند که در غرب زندگی می‌کنند. به تدریج با توسعه رسانه‌های جمعی، اخبار و اطلاعات بسیاری در مورد عقاید اسلامی و باورهای تأثیرگذار آن به‌ویژه مهدویت وارد فضای علمی و رسانه‌ای شد که می‌توانست جاذبه و کشش بسیاری در مخاطبان غربی ایجاد کند و این مطلوب اردوگاه فکری غرب نبود. غرب برای عدم توجه و اقبال افکار عمومی خود به مهدویت راهکارهایی به کار گرفت که از جمله آنها تخریب اسلام به طور عام و برخی عقاید اساسی و مؤثر اسلامی به طور خاص در رسانه‌های گوناگون بود. این تخریب در مورد مهدویت در سه قالب ذیل بود:

- تخریب از طریق معرفی سطحی: در این شیوه، مهدویت به صورتی به مخاطب معرفی شده است که مفهومی سطحی، کم‌اهمیت و یا خرافی به نظر برسد. به طور متعدد نمونه این شیوه را می‌توان در مقالات نوشتاری و یا برنامه‌های دیداری رسانه‌های غربی دید.

- تخریب از راه معرفی نمونه منفی: در این شیوه مهدویت در قالب مثالی عینی البته از نوع منفی ارائه می‌شود که مخاطب با ملاحظه نمونه منفی معرفی شده از این مفهوم والا دلزدگی پیدا کند. این نوع معرفی به طور وسیع در معرفی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رسانه‌های غربی به کار برده شده است.

- تخریب با ایجاد ترس: در این روش مهدویت به شیوه‌ای معرفی می‌شود که نتیجه آن ترس و رعب مخاطب از آن و از ارائه‌کنندگان و پیروان آن است. نگاهی که امروزه در قالب‌های مختلف اسلام‌ستیزانه در مورد مفاهیم اسلامی و مهدویت از جانب رسانه‌های بی‌شمار غربی تبلیغ می‌شود مخاطب غربی را به چنان هراسی وامی‌دارد که اسلام و مهدویت را دشمن شماره یک خود و دینش می‌داند و با سیاست‌های جاری دولت خود علیه اسلام و کشورهای اسلامی همگام می‌شود.

اگرچه قلمرو نگاه غرب به مهدویت ابتدا تنها معطوف به شناخت جایگاه دینی و تاریخی آن در میان مسلمانان بود، ولی به تدریج معطوف به کارکردهای مؤثر آن نیز شد. در مقام مقابله نیز همین دو حیطة مورد هجمه و تخریب قرار گرفته است به طوری که هم در عرصه معرفی مفاهیم

مرتبط با مهدویت در منابع علمی غرب می‌توان جهت‌گیری‌ها و تزریق اطلاعات نادرست را به‌طور واضح مشاهده کرد و هم در حوزه کارکردهای این مفهوم، کتاب‌ها، مقالات، فیلم‌ها و برنامه‌های گوناگونی را مثال زد که با هدف انحراف و یا تخریب ساخته و پرداخته شده است.

۶. نقد دیدگاه مستشرقین درباره مهدویت

۶-۱. نقد دیدگاه آرای دارمستتر

جدی‌ترین نقد دیدگاه دارمستتر عدم تلقی او از مهدویت در قالب یک آموزه صحیح اعتقادی است. ازاین‌رو، با نقد تفکر محمد احمد سودانی، اصل اعتقاد به مهدویت را هم مخدوش می‌داند. به اعتقاد او مهدویت از ریشه بی‌اساس و برآمده از یک رخداد تاریخی است و هنگام سخن گفتن از مدعیان دروغین در تاریخ تمدن اسلامی به‌گونه‌ای سخن می‌گوید که گویی از یک امر خرافی که هیچ ریشه اعتقادی ندارد، بحث می‌کند. دومین نقد به‌نظر او شیوه‌ای است که وی در مهدویت برگزیده است. همان‌گونه که بیان شد وی همه مسائل را از روزه یک‌برهه تاریخی و زمان و مکان وقوع رخداد می‌بیند. ازاین‌رو، به اهمیت و جایگاه مسئله مهدویت در اسلام توجه نمی‌کند و به این مسئله توجه ندارد که اعتقاد به مهدویت، ریشه در افکار و اعتقادات اسلامی و بلکه تمام ادیان ابراهیمی دارد. به‌همین دلیل، او در نقد محمد احمد سودانی آن را مخدوش و با پایه‌های متزلزل می‌بیند. وی به‌دلیل اینکه اوستاشناس است و با تمدن ایرانی و مذهب زرتشت آشناست تلاش می‌کند تا ادیان ابراهیمی را در اعتقاد به مسئله مهدویت با تأثیر مذهب زرتشت و ایران باستان بررسی نماید.

از دیگر انتقادات بر دارمستتر این است که وی در شناخت خود از موضوع مهدویت به‌جای آنکه در بیان موضوع به منابع اصیل اسلامی اشاره کند و یا نگرش اندیشمندان درجه اول اسلامی را مورد توجه قرار دهد به تفکر ابن خلدون از اندیشمندان نادر مسلمان و مخالف مهدویت بسنده کرده و در این باره از او پیروی کرده است. طبیعی است که این امر باعث شده تا وی نسبت به مهدویت تصویر صحیح و درستی نداشته و به نگرش و آرای موجود در منابع اصلی دین دسترسی

پیدا نکند. به دلیل اهمیت ابن خلدون در جامعه‌شناسی و تاریخ و اثر مهم او در جامعه‌شناسی، مقدمه ابن خلدون منشأ اثر بوده و در غرب ترجمه شده است. این اثر موجب شده تا نظر نادرست او در زمینه مهدویت نیز مورد توجه اسلام‌شناسان غربی قرار گیرد و آنها در شناخت مسئله مهدویت به جای رجوع به متون اصلی و منابع درجه اول به این آثار رجوع کنند. اهمیت یک‌اندیشمند در عرصه‌ای از علوم موجب نمی‌شود تا سخنان او را در دیگر زمینه‌ها جدی و تخصصی تلقی شود. برای مثال اگر انیشتین در زمینه فیزیک دانشمند بزرگی است دلیل بر بزرگ شمردن نظرات او در زمینه تاریخ نیست. همچنین ابن خلدون از کسانی است که جایگاه خاصی در جامعه‌شناسی اسلامی دارد، اما این امر باعث نمی‌شود تا سخنان او در زمینه مهدویت موثق باشد به حدی که متأسفانه سخنانش مورد استناد دین‌پژوهان غربی قرار گرفته است.

۶-۲. نقد دیدگاه ادوارد براون

وی در زمینه مهدویت آثار فراوانی دارد. کتاب یک‌سال درمیان ایرانیان، جریان دیدار او از شهرها و گفت‌وگوهایش با رهبران مذهبی مانند زرتشتی، اسلامی و فرقه بابی است که به صورت سفرنامه نوشته شده است. ترجمه مقاله سیاح به زبان انگلیسی. این اثر تألیف عباس افندی پسر حسینعلی بهاء رهبر فرقه بهائیت است که به وسیله براون ترجمه، تصحیح و حاشیه‌نویسی شده است. وی علاوه بر این کتاب‌ها، کتاب‌های دیگری درباره فرقه‌های منسوب به مهدویت یعنی، بابیت، بهائیت و جانشینی علی محمد باب و... دارد. (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹) اگرچه تألیفات او درباره فرقه‌های منسوب به مهدویت اهمیت تحقیقی فراوانی دارد و او در راستای شناخت فرهنگ اسلامی تلاش‌های فراوانی کرده است، اما برخی اوقات از حقیقت فاصله گرفته و به راه اشتباه رفته است. کوشش براون در زمینه شناخت و معرفی فرقه‌های منسوب به مهدویت بوده و تألیف مستقل و مفصلی در زمینه مهدویت ندارد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که براون نه تنها درباره این فرقه، بلکه درباره اسلام و فرقه‌های مربوط به آن اطلاعات ناقصی دارد. پژوهش وی رهیافتی آسیب‌شناسانه و غیرهمدلانه دارد (حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵).

انتقادات شیعیان به نظرات گیب در مورد موضوع مهدویت در موارد زیر دسته‌بندی می‌شود:

وی در نقد و تحلیل مهدویت که ریشه در دیدگاه کلامی شیعه و سنی دارد در برخی موارد بدون توجه به اختلاف کلامی میان شیعه و سنی به بررسی مهدویت پرداخته است و از نقطه نظر مشابه میان آنها داوری کرده و میان دو مذهب تفکیک قائل نمی‌شود. به نظر می‌رسد همیلتون گیب درباره ضعیف بودن احادیث پیرامون علائم و پیشگویی‌های عصر ظهور مانند برخی از بزرگان اهل سنت سخن گفته است. گیب در بخش پایانی کتابش، قسمتی را به عبارت اسلام در جهان نو بیان می‌کند و در آن به برخی از رخدادهای مذهبی معاصر، جریانات روشنفکری و توصیف فرقه‌هایی که در قرن نوزدهم تأسیس شده‌اند، می‌پردازد. از جمله به فرقه شیخیه اشاره می‌کند و آن را فرقه‌ای به وجود آمده از بطن شیعه می‌داند. او به اشتباه، مؤسس آن را سید علی محمد باب می‌خواند و در بیان اینکه چرا علی محمد باب، خود را باب خواند به نادرستی می‌گوید: «وی خود را به نام رمزی باب [در، دروازه] می‌خواند بنا به این ادعا که حقیقت الهی توسط این "در" شناخته شده است و پس از طغیان پیروانش وی در سال ۱۸۵۰ م اعدام شد» (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰، ۱۹۱).

وی در توصیفات تاریخی خود درباره صوفیان می‌گوید که آنها عامل اصلی پیوند مسیحیان و مسلمانان در مورد اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند درحالی که چنین دیدگاهی دور از انصاف و ارزش علمی است.

وی همانند مستشرقانی چون گلدزیهر، دارمستتر و... مهدویت را از دیدگاه تاریخی بررسی می‌کند و اندیشه شیعه را در مورد مهدویت متأثر از ادیان ایران باستان و عرفان شرقی می‌داند. وی بدون توجه به بررسی مهدویت از دیدگاه کلامی و اعتقادی شیعیان دلیل مهدویت‌گرایی را ریشه در چند عامل مانند سودجویی، قدرت‌طلبی، جهل و نادانی مردم، یأس و ناامیدی و... می‌داند. از این رو، می‌توان گفت که آرای او نیز در باب مهدویت باتوجه به تقدیر متفکر شیعه، سید حسین نصر، رهیافتی آسیب‌شناسانه در این زمینه دارد. (عمیده، بی‌تا، ص ۱۲)

با وجود حجم فراوانی از نظریات همدلانه و مثبت اندیشانه کربن درباره مهدویت، انتقاداتی از سوی عالمان شیعه به نظریات وی در این باره شده است که در موارد زیر تقسیم بندی می شود:

- از مهمترین انتقادات به تحقیقات کربن عدم توجه او به وجه اجتماعی، سیاسی، انسان شناسانه و... ظهور حضرت حجت و قرار گرفتن دوران غیبت میان دو حادثه بزرگ عاشورا و ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این درست است که قیام حضرت مانند پیروزی تأویل بر تنزیل و یا حقیقت بر شریعت است رابطه شیعیان با امامشان رابطه ای نهانی و عاشقانه است، بی تردید نمی توان در کنار عروج عرفانی شیعیان که کربن از آن یاد کرده از وجه اجتماعی و مبارزه فراگیر امام با ظلم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صاحبان قدرت چشم پوشید.

- غفلت از وجه مسلحانه و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از موارد انتقاداتی است که به وی وارد شده است. وی در کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به این حقیقت اشاره می کند که جلوه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مردم به تهذیب و تجدید عالم روحی آنها بستگی دارد که با مفهوم عمیق اندیشه و تأویل شیعه از غیبت و ظهور امام هم خوانی دارد. انتقادی که بر وی وارد شده متأثر از این سخن است که می گوید: «وقتی مردم شایستگی خود را برای دیدن امام ازبین می برند آنگاه خود میان امام و خویشتن خویش حجاب می گردند؛ زیرا وسیله ارتباط میان خود و امام را ازبین می برند. این وسیله ارتباط همان معرفتی است که از راه قلب حاصل می شود. وقتی مردم آن را از دست دهند این ارتباط حاصل نمی شود. پس تا وقتی مردم مستعد شناسایی و معرفت امام نگردند سخن گفتن از ظهور امام غائب هیچ معنی نخواهد داشت». اگر گفته وی پذیرفته شود ظهور امام واقعه ای نیست که روزی ناگهان اتفاق بیفتد، بلکه امری است که روزه روز در ضمیر و وجدان شیعیان مؤمن رخ می دهد. کربن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را منوط به معرفت قلبی شیعیان می داند که از نوع معرفت شهودی و باطنی است نه معرفت ظاهری و دیدار جسمانی با آن حضرت.

نگاه کربن به مسئله شیعه نگاه پدیدارشناسانه است، ولی با تمام محاسنی که این روش دارد و بسیاری از عناصر بنیادین شیعه را برای وی آشکار کرده قسمتی از نکات تاریخی را برای او نهان کرده است. وی تنها به جنبه عرفانی و فلسفی از دین توجه دارد و شیعه را از منظر باطنی و عرفانی آن مورد توجه قرار می‌دهد و عمق شیعه را همان جنبه باطنی و معنوی آن می‌داند در صورتی که می‌توان از نظر عقلی و نقلی به شیعه و مهدویت نگریست.

گاهی وی به روایاتی استناد می‌کند که از نظر سند معتبر نیستند.

کربن به دلیل علاقه فراوان به شیعه معنوی به گرایش‌هایی که به باطن و تأویل متمایل هستند مانند اسماعیلیه و شیخیه و رویکرد عرفانی از امامیه بیشتر گرایش پیدا می‌کند. این امر موجب توجه زیاد وی به سوی نظرات اسماعیلیه و شیخیه شده و عمده اشکالات او در زمینه مهدویت متوجه نظراتی است که از شیخیه اقتباس کرده است.

کربن با تأثیر جسم هورقلیایی و عالم مثال سهروردی زمان و مکان را میان زمانها یا همان شرق میانه می‌داند و بر همین اساس محل زندگانی امام عصر را توجیه می‌کند.

او در نظریات خود اشاره می‌کند که ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجربه‌های دینی مؤمنان با ایشان در دنیای محسوس و روال عادی عالم رخ نداده، بلکه در جهان وسط و میانه و متفاوت با این جهان رخ داده و در این بحث پیرو نظریات بزرگان شیخیه است. وی با وجود نظرات امامان و دانشمندان شیعه که وجود امام عصر را جسمانی و مربوط به همین دنیا می‌دانند با تأثیر از عقاید باطنی وجود وی را روحانی و متعلق به عالم ماورای طبیعت می‌داند. در رد نظریه وی می‌توان گفت عالمان شیعه مانند شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، طبرسی نوری در کتاب نجم الثاقب، محمدباقر مجلسی در جلد سیزدهم بحار الانوار و بسیاری از عالمان دیگر شیعی با نقل ملاقات‌ها با ایشان تشرفات و شرح زندگانی انسان‌هایی که عمر طولانی کرده‌اند (معمربین) تلاش می‌کنند تا ملاقات با امام عصر را در عصر غیبت و در همین عالم مادی و جسمانی اثبات کنند که هیچ‌یک از آنها متأثر از آرای شیخیه و امثال آن نبوده‌اند. گرایش به عقاید اشراقی و رویگردانی از گرایش عقل‌گرایانه به مهدویت از انتقاداتی است که عبدالرحمن

بدوی نیز در کتاب فرهنگ خاورشناسان خود به آن اشاره دارد. این گرایش متأثر از آشنایی با افرادی مانند سهروردی و استادش لویی ماسینیون بود.

۵-۶. نقد نظریه برنارد لوئیس پیرامون مهدویت

از انتقادات به نظریه ایشان این است که وی معتقد است واژه مهدی شاید درباره علی بن ابی طالب علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به کار رفته باشد، ولی در جای دیگر می‌گوید: «واژه مهدی برای اولین بار به طور جدی و به صورت ایده‌ای مسیحا یا منجی‌گرایانه درباره قیام مختار ثقفی به کار رفته است». (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۲) از مجموع نظریات برنارد لوئیس درباره مهدویت می‌توان دریافت که وی نیز با شیوه تاریخی و با دیدگاهی مغرضانه و به دور از انصاف این مسئله را نقد و بررسی کرده است و شاید به دلیل تأثیرپذیری وی از مطالعاتش درباره اسماعیلیه و شرایط سیاسی آن باشد.

۷. نتیجه‌گیری

اگرچه در پهنه تحقیقاتی مستشرقان در زمینه اسلام مساله مهدویت ابتدا آن‌چنان مورد توجه قرار نگرفت، اما از دلایلی مانند برخی وقایع تاریخی و توجه غرب به تأثیر این باور در بیداری و خیزش مسلمانان، نگاه غرب به این عقیده معطوف شد. به همین دلیل در دو سده اخیر، مستشرقان بسیاری به‌طور ویژه یا در خلال موضوعات دیگر به مهدویت پرداخته‌اند. نگاه پژوهشگران غربی به مهدویت در یک سطح نبود و متأسفانه در بیشتر موارد به دلیل ضعف منابع، استناد به اقوال ضعیف، عدم توجه به روش‌شناسی صحیح احادیث مهدوی و البته یک‌جانبه‌گرایی این نظریات رنگ و بوی صحیحی به خود نگرفته است. فراتر از جنبه‌های علمی، علل سیاسی و فرهنگی دیگری نیز در سالیان اخیر این توجه را برجسته و پررنگ کرده است که حاصل آن تأسیس پژوهشکده‌های خاص و تألیف کتب ویژه در موضوع مهدویت در سالیان اخیر در غرب بوده است. از آنجاکه این نظریات مبنای تصمیمات سیاسی و برداشت‌های مختلف در حوزه‌های دین پژوهشی، شرق‌شناسی، آینده‌پژوهی و روابط سیاسی بین‌المللی در سطح

جهان می‌شود بازبینی و تبیین مجدد باور مهدوی در عرصه کشورهای غربی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین رصد و تحلیل فعالیت‌های کشورهای غربی درمقابل این عقیده و پاسخ‌گویی مناسب دربرابر این هجمه‌ها امری ضروری در پاسداشت و تبلیغ باور والای مهدویت است.

فهرست منابع

۱. ابن زکریا قزوینی، ابن فارس (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم: دارالفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. الویری، محسن (۱۳۳۹). مطالعات اسلامی در غرب. تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ادب فنای مقربان. قم: انتشارات اسراء.
۵. حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵). نقد آثار خاورشناسان. تهران: انتشارات چاپخش.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات سروش.
۷. سعید، ادوارد (۱۳۷۲). شرق شناسی. مترجم: گواهی، عبدالحجیم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸). فرهنگ مهدویت. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۹. عمیده، عبدالرحمن (بی‌تا). الاسلام والمسلمون بین احقاد التبشیر و ضلال الاستشراق. بیروت: دار الجلیل.
۱۰. متوسل، محمود (۱۳۹۳). مهدویت از دیدگاه مستشرقان. قم: مؤسسه فرهنگی تبیان.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۱۲. موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۹۰). مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی. قم: بنیاد فرهنگی حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف. مرکز تخصصی مهدویت.